

مکاشفہ

توبہ و ایمان

توماس بروکس



ا به نام او و برای او ا

Repent & Believe: Taken from '*Precious Remedies
Against Satan's Devises*', *The Works of Thomas Brooks, Vol. 1*

Copyright 2008 by Thomas Brooks

Published by The Banner of Truth Trust

3 Murrayfield Road, Edinburgh EH12 6EL, UK

P.O. Box 621, Carlisle, PA 17033, USA

Translated into Farsi by Revelation Ministries Inc.

Farsi ISBN: 979-8-9856279-4-7



توبه و ایمان

مکاشفه

نشر مکاشفه

توبه و ایمان

| نویسنده: توماس بروکس |

| ترجمه: گروه مترجمان |

| سرویراستار: نیما علیزاده |

| نوبت چاپ: اول، ۲۵ دسامبر ۲۰۲۵، دی ۱۴۰۴ |

| شابک: ۹۷۹-۸-۹۸۵۶۲۷۹-۴-۷ |

| همهٔ حقوق متعلق به خدمات مکاشفه است |

نقل از کتاب با ذکر ماخذ مجاز و هر گونه بهره‌برداری دیگر

منوط به اجازهٔ کتبی از ناشر است.



WWW.MOKASHEFEH.COM

توبه و ایمان

توماس بروکس

برگرفته از

«راه حل‌های گرانبها در برابر ترفندهای شیطان»

آثار توماس بروکس، جلد اول



فهرست

یادداشت ناشر | ۱۳

توبه و ایمان | ۱۹

ترفندهای شیطان برای جلوگیری از

ایمان آوردن گناهکاران به عیسیای مسیح | ۳۷

بیوگرافی مختصر توماس بروکس | ۶۹

به سبب جوانی‌ات، از وسوسه‌ها و دام‌ها برحذر باش؛ و بالاتر از همه، مواظب باش که در استفاده از دارایی‌ات خویشتندار باشی و به جماعت نیکو وصل شوی، اگرچه ممکن است به تو لقب پیوریتن را بدهند و مسخره‌ات کنند، اما اهمیتی نده، بلکه شاد و خوشحال باش، زیرا کسانی که مورد تمسخر و تحقیر این دنیای بی‌خدا و عبث قرار می‌گیرند و به آنها لقب پیوریتن یا افراطی داده می‌شود، تو را در جمع خود می‌پذیرند. همچنین باید بگویم، وقتی در این نقطه از زندگی قرار دارم، همان‌طور که مرا می‌بینی، زیر آسمان؛ روحم با هیچ چیزی آرام نمی‌گیرد، به جز کسانی که به آنها لقب مذهبی می‌دهند. آنها افرادی هستند که می‌توانند در زمان مناسب روح خسته را التیام بخشند و من با تجربه این را یافته‌ام...

آخرین سخنان آسمانی پیش از رحلت باشکوه جان،
مباشر کُنت در کِنمور



یادداشت ناشر معرفی پیوریتن‌ها

پیوریتن‌ها، اعضای جنبش اصلاحات مذهبی، معروف به پیوریتنیزم بودند که در اواخر قرن شانزدهم، هم‌راستا با جنبش اصلاحات در کل اروپا، در کلیسای انگلستان به وجود آمدند. پیوریتن‌ها که اکثریت کالوینیست بودند، باور داشتند که کلیسای انگلستان بسیار شبیه کلیسای کاتولیک رومی است و باید از مراسم و اعمالی که ریشه در کتاب مقدس ندارند، اصلاح شود. به همین دلیل در سال ۱۶۶۲ پارلمان انگلستان حکم معروفی به نام «قانون یکپارچگی»^۱ را

۱. Act of Uniformity؛ قانونی که در سال ۱۶۶۲ توسط پارلمان انگلستان وضع شد تا فعالیت همهٔ کلیساها همان‌طور باشد که کلیسای انگلستان ترجیح می‌دهد.

برای کنترل کلیساها وضع کرد، طبق این حکم همهٔ شبانان برای ادامهٔ خدمت باید آن را امضا می‌کردند. بر اساس این قانون، همهٔ کلیساها ملزم به اجرای مراسم کلیسایی خود به یک شکل و آن‌طور که کلیسای انگلستان دیکته می‌کرد بودند. حدود دو هزار پیوریتن این حکم را امضا نکردند و همین باعث شد تا از منصب کلیسایی خود اخراج شوند. این واقعه معروف به «اخراج بزرگ»^۱ است.

پیوریتن‌ها عالمانی بسیار جدی و مصمم بودند که باور داشتند برای اجرای این اصلاحات از طرف خدا ماموریت دارند. به قول جان میلتن، شاعر و نویسندهٔ معروف انگلیسی: «پیوریتن‌ها اصلاح‌کنندهٔ اصلاح‌گران بودند.»

دربارهٔ پیوریتن‌ها باورهای اشتباهی وجود دارد و همواره سعی شده که از آنها تصویری تاریک، خشن و عبوس ارائه شود، اما در واقعیت پیوریتن‌ها افرادی بسیار تحصیل‌کرده، خوش‌پوش، شاد، متشخص و دانا بودند.

متأسفانه پیوریتنیزم به خاطر فشارها و جفاهای بیش از حد، خیلی دوام نداشت. دورهٔ پیوریتن‌ها را می‌توان بین ۱۵۳۰ تا ۱۶۶۰ میلادی در نظر گرفت. زندگی‌نامه‌ها و نوشته‌های آنها حاکی از آن است که این افراد، حقیقتاً گروهی خاص در تاریخ مسیحیت بوده‌اند. آنها به معنای واقعی، مسیحیان بالغی

۱. Great Ejection؛ حدود دو هزار پیوریتن به دلیل مخالفت و امضا نکردن «قانون یکپارچگی» از کلیسا اخراج شدند.

بودند که برخلاف مسیحیت عصر ما به دنبال شهرت، مقام، پول، موفقیت و خودمحوری نبودند. آنها به راستی ابرائسان و قهرمانان ایمان مسیحی بودند. انسان‌های بزرگی که به درستی خدای بزرگی را خدمت می‌کردند. آنها فقط شنوندگان کلام نبودند، بلکه فارغ از چالش‌ها و جفاها، عمل‌کنندگان کلام بودند. وفاداری و جدیت نسبت به کتاب مقدس، الهیات عهد، مسیح محوری، قداست و جلال خدا، از برجسته‌ترین و بنیادی‌ترین تأکیدات پیوریتن‌ها می‌باشد.

موعظت و تعالیم پیوریتن‌ها بسیار کاربردی و عمیق هستند و مسیحیان قرن بیست و یکم از این تعالیم می‌توانند بهره‌ی فراوانی ببرند. به قول سینکلر فرگوسن^۱: «مطالعه آثار پیوریتن‌ها که معروف به طبیبان روح هستند؛ مانند ورود به دنیایی بسیار غنی از الهیات روحانی است، برای فکر و قلبی که همواره در پی کاوش درون خود است. پیوریتن‌ها با فیض، قلب شما را تسخیر و تبدیل می‌کنند و شما را با مشاوره‌های حکیمانه در زندگی راهنمایی می‌نمایند.»

به دلیل اهمیت و ارزش متون پیوریتن‌ها، «سازمان خدمات مسیحی مکاشفه» در راستای ترویج تعالیم صحیح و مجهز کردن کلیسای فارسی‌زبان، بر آن شد تا این سری کتابچه‌های ارزشمند از پیوریتن‌ها را ترجمه و منتشر کند.

این سری کتابچه‌ها معروف به «پیوریتن‌های جیبی»

1. Sinclair Ferguson

(Pocket Puritans) هستند. این مجموعه، هرچند کوچک اما بسیار عمیق و کاربردی می‌باشند و تا امروز میلیون‌ها مسیحی را در ابعاد مختلف زندگی مسیحی‌شان کمک کرده‌اند.

درباره کتاب حاضر

کتاب «توبه و ایمان»^۱ اثر توماس بروکس^۲ (۱۶۰۸-۱۶۸۰) برگرفته از کتاب کلاسیک او «راه حل‌های گرانبها در برابر ترفندهای شیطان، آثار توماس بروکس، جلد اول»^۳ می‌باشد. توماس بروکس، تحصیل‌کرده دانشگاه کمبریج در قرن هفدهم، از برجسته‌ترین پیوریتن‌هایی است که به سبب نوشته‌هایش شهرت یافته و آثارش از عمق و اهمیت والایی برخوردارند.

از میان پیوریتن‌ها، بروکس بهترین کتاب‌ها را در باب وسوسه و حملات شیطان بر روح مسیحیان نوشته است. از دیدگاه چارلز اسپرِجن^۴ که به شکلی گسترده نوشته‌های پیوریتن‌ها را مطالعه کرده بود، توماس بروکس از قلمی بی‌همتا برخوردار است و نوشته‌هایش برای مطالعه بسیار دلپذیر و ارزشمند هستند.

نکته جالب درباره توماس بروکس این است که هیچ تصویری

1. Repent and Believe

2. Thomas Brooks

3. 'Precious Remedies Against Satan's Devices', The Works of Thomas Brooks, Vol. I 2

4. Charles Spurgeon

از چهره او بر جای نمانده و اطلاعات چندانی از زندگی اش در دست نیست. اما بعد از مطالعه آثار او، به آسانی تصویری روشن، از انسانیت و شخصیت مقتدر وی، در ذهن خواننده شکل می‌گیرد. این نویسنده در نوشته‌هایش زندگی می‌کند. گذشته از اینها، بروکس در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و از زندگی وی سوابق قابل توجهی باقی نمانده است.

پیوریتن‌ها به واقعیت و خصومت مرگبار شیطان در زندگی انسان باور داشتند. آنها معتقد بودند شیطان برای نگه داشتن انسان در محکومیت و گناه از دو ترفند کلی استفاده می‌کند: اول، آسان بودن توبه و دوم، غیرممکن بودن ایمان به مسیح.

در این کتاب، بروکس استادانه ترفندهای شیطان را برملا ساخته و ماهرانه راه حل‌های کتاب مقدسی را در مقابل این ترفندها ارائه می‌دهد. او به موضوع توبه می‌پردازد و اظهار می‌کند که توبه نه تنها پرهیز از بدی و گناه است، بلکه کوششی آگاهانه برای نیکویی کردن نیز به شمار می‌رود. ما نه تنها فرا خوانده شده‌ایم تا از گناه پرهیزیم، بلکه دعوت شده‌ایم تا در قدوسیت رشد کنیم و با انجام اعمال خداپسندانانه، به سوی تقدس گام برداریم تا شبیه خدای خود مقدس شویم.

باعث خرسندی است که در «نشر مکاشفه» می‌توانیم پیوریتن‌ها را به جامعه مسیحی فارسی‌زبان معرفی و در شناخت این مقدسین و نوشته‌های آنها گامی برداریم. باشد که مطالعه این مجموعه شانزده جلدی، در کنار بقیه متون

منتشرشده توسط «سازمان خدمات مسیحی مکاشفه»، باعث روشننگری ذهن و ضمیر مخاطبان شود تا همه خوابیدگان از خواب غفلت بیدار شده و برای جلال خدا، مانند بالغان در روح، زندگی و رفتار کنند. آمین.

نیما علیزاده

شبان و مؤسس «خدمات مسیحی مکاشفه»

توبه و ایمان

ترفندِ شیطان: توبه آسان است!

شیطان روح ما را متقاعد می‌کند که توبه کار آسانی است؛ در نتیجه نیازی به نگرانی بیش از حد برای گناه نیست. چرا؟ شیطان می‌گوید: «فرض کنید گناهی کرده‌اید، آنگاه بازگشت، اعتراف، ندامت، درخواستِ بخشش و زاری و فریادِ "خداوندا! بر من رحم کن" کار سختی نیست و وقتی این کار را انجام می‌دهید، خدا نتایج آن گناه را برداشته، گناهانتان را می‌بخشد و روحتان را نجات می‌دهد.» شیطان با این ترفند، روح بسیاری را به سوی گناه می‌کشانند و میلیون‌ها روح را خدمتگزار یا به تعبیر بهتر، بردهٔ گناه می‌سازد.

راه حل ۱

اولین راهکار، جدی گرفتن توبه به عنوان کاری بزرگ و دشوار است؛ یعنی کاری که از توان ما خارج می‌باشد.

قدرتی که مسیح را از مردگان برخیزانید و جهان را ساخت و قدرتی که قلب یک گناهکار را خرد یا نرم می‌کند، قدرت کمی نیست. اگر قدرت ذوب کردن سنگ خارا را داشته باشید، قدرت نرم کردن قلب خودتان را نیز دارید؛ اگر بتوانید سنگ چخماق را به گوشت تبدیل کنید، قدرت بازگرداندن قلبتان به سوی خداوند را هم دارید؛ و اگر توانایی زنده کردن مرده و آفریدن دنیایی را دارید، توان توبه کردن نیز دارید. توبه گلی است که در باغ طبیعت این دنیا نمی‌روید. «آیا حبشی، پوست خویش را تغییر تواند داد؟ یا پلنگ خالهای خود را؟ به همین‌گونه، آیا شما که به بدی کردن خو کرده‌اید، کار نیک توانید کرد؟» (ارمیا ۱۳: ۲۳). توبه، هدیه‌ای است که از بالا نازل می‌شود. همان‌طور که انسان با زبان در دهان متولد می‌شود؛ با دلی ناتوبه‌کار نیز به دنیا می‌آید، «و او را به دست راست خود بالا برده، سرور و نجات‌دهنده ساخت تا قوم اسرائیل را توبه و آمرزش گناهان بخشد» (اعمال ۵: ۳۱). همچنین در دوم تیموتائوس ۲: ۲۵ می‌خوانیم: «باید مخالفان را به نرمی ارشاد کند، بدین امید که خدا به آنها توبه عطا فرماید تا به شناخت حقیقت برسند.» هیچ انسان فانی قادر به توبه از لذت نیست. برخی از ارواح فریب‌خورده نادان، بیهوده تصور

می‌کنند که این پنج کلمه «خداوندا! بر من رحم کن»، برای فرستادن آنها به بهشت مؤثر است.

اما همان‌طور که بسیاری از آنها خام جواهری تقلبی شدند، اکثرشان به خاطر توبه اشتباه خود در جهنم هستند. بسیاری نیز در توبه خود می‌مانند؛ هرچند ممکن است سایه‌ای از توبه باشد که باعث می‌شود بگویند: «توبه بیشتر از گناه، انسان را سردرگم می‌کند.»

راه حل ۲

دومین راهکار در برابر این ترسند شیطان، توجه جدی به ماهیت توبه واقعی است.

توبه چیزی ویرای تصور انسان‌های خودبین و مغرور است. توبه گاهی در معنای دقیق‌تر و جزئی‌تر برای اندوه الهی و گاهی در معنای کلی، برای اصلاح زندگی به کار برده می‌شود. توبه دارای سه جزء است؛ یعنی: عمل، موضوع، وضعیت.

۱. عمل اصلی توبه، تغییر و تبدیل است. اغلب در کتاب مقدس از کلمه توبه به عنوان بازگشت از راه و تغییر مسیر یاد شده است. «به یقین سوگواری افرایم را شنیده‌ام که می‌گوید: "تادیب کردی و تادیب شدم... مرا بازگردان تا بازگردم... پس از برگشتن از راه، پشیمان شدم..."» (ارمیا ۳۱: ۱۸-۱۹). توبه، بازگشت از تاریکی به سمت روشنایی است.

۲. موضوع توبه تغییر و تبدیل کل وجود انسان است؛

یعنی هم قلب و هم زندگی شخص گناهکار؛ ابتدا قلب و دلش، سپس زندگی اش؛ ابتدا ذاتش، سپس اعمال و رفتار و کردارش. تغییر شخصیت فرد این گونه است: «خویشتن را بشویید و طاهر سازید؛ شرارت اعمال خود را از نظرم دور کنید، و از بدی بازایستید. نیکوکاری بیاموزید، و انصاف را بجویید؛ ستمگران را ارشاد کنید، داد یتیمان را بستانید، و به دفاع از حق بیوه زنان برخیزید» (اشعیا ۱: ۱۶-۱۷)؛ در این آیات تغییر رویه آنها دیده می شود. حزقیال می گوید: «همه نافرمانی هایی را که مرتکب شده اید، از خود به دور افکنید و قلبی نو و روحی تازه برای خود فراهم کنید...» (حزقیال ۱۸: ۳۱). این آیات نمایانگر تبدیل قلب هستند.

۳. وضعیت قلب و زندگی باید از گناه به سمت خدا تغییر کند و تبدیل یابد. قلب باید از حالت و قدرت گناه و زندگی باید از اعمال گناه آلود، تغییر جهت دهد، اما هر دو باید به سمت خدا پیش روند. قلب باید تحت قدرت خدا در حالت فیض، و زندگی تحت فرمان او در اطاعتی کامل و جدید باشد. درست همان گونه که رسولان گفتند: «تا چشمانشان را بگشایی، تا از تاریکی به نور، و از قدرت شیطان به سوی خدا بازگردند» (اعمال ۲۶: ۱۸). همچنین اشعیا ی نبی می گوید: «شریر راههای خود را ترک گوید، و شخص بدکار افکار خویش را؛ به سوی خداوند بازگردد، که بر وی رحم خواهد کرد؛ و به سوی خدا ایمان بیاید، که او را

به فراوانی خواهد آمرزید» (اشعیا ۵۵:۷).

بنابراین ماهیت توبه انجیلی این‌گونه است. حال به من بگوئید، آیا همان‌طور که شیطان پیشنهاد می‌کند، توبه کردن آسان است؟ علاوه بر آنچه گفته شد، مایلم بدانید که توبه شامل رویگردانی از محبوب‌ترین گناهان است. «افرایم را بیش از این با بتها چه کار است؟» (هوشع ۱۴:۸). بله، توبه حقیقی بازگشت از تمام گناهان به سمت خدا است: «پس ای خاندان اسرائیل، خداوندگار یهوه می‌گوید، من هر یک از شما را بر حسب اعمالش داوری خواهم کرد. توبه کنید و از تمامی نافرمانیهای خود بازگشت نمایید، تا شرارت موجب سقوط شما نشود» (حزقیال ۱۸:۳۰). هیرودیس از بسیاری روی گردانید، اما از معشوقه خود که عامل هلاکتش بود، روی برنگرداند. یهودا (اسخریوطی) از همه شرارت‌های مشهود برگشت، با این حال نتوانست آن طمع براق و طلایی شیطان را از خود دور کند و بنابراین به داغ‌ترین مکان جهنم انداخته شد. شخصی که حتی از یک گناه روی برنگرداند، در واقع از هیچ گناهی به درستی بازگشت نمی‌کند. هر گناهی به شرافت، وجود و جلال خدا، قلب مسیح، شادی روح و آرامش وجدان انسان ضربه می‌زند. بنابراین روحی که توبه حقیقی می‌کند به همه گناهان ضربه می‌زند، از همه آنها متنفر است، با همه آنها درگیر می‌شود و در تلاش برای نیرو گرفتن از مسیح مصلوب برای به صلیب کشیدن همه گناهانش

است. توبه‌کننده واقعی، نه پدر می‌شناسد و نه مادر، نه چشم راست و نه دست راست، بلکه یکی را درمی‌آورد و دیگری را قطع می‌کند. شائول تنها به یک چیز، یعنی پادشاه آجاج، امان داد و این به قیمت جان و پادشاهی او تمام شد (ر.ک اول سموئیل ۹:۱۵).

علاوه بر این، توبه نه تنها بازگشت از همه گناهان است، بلکه تغییر مسیر به سمت هر نیکویی، عشق، محبت، دوست داشتن، شکرگزاری و پیروی از همه خوبی‌هاست: «اما اگر شخص شریر از همه گناهانی که مرتکب شده، روی بگرداند و همه فرایض مرا نگاه داشته، به انصاف و پارسایی عمل کند، به یقین زنده خواهد ماند و نخواهد مرد» (حزقیال ۱۸:۲۱)؛ این یعنی پارسایی و تقدس خنثی، نه پارسایی محسوب می‌شود و نه تقدس. داوود کاملاً در اراده خدا زندگی می‌کرد و به همه احکام او احترام می‌گذاشت؛ زکریا و الیزابت نیز همین‌طور بودند. این کافی نیست که درختی میوه بد ندهد، بلکه باید میوه نیکو به بار آورد، در غیر این صورت باید «بریده شود و در آتش افکنده شود» (لوقا ۷:۱۳؛ متی ۱۹:۷). پس کافی نیست که فقط شریر نباشید، بلکه باید بخشنده و نیکوکار هم باشید؛ وگرنه عدالت الهی، تیشه انتقام را بر ریشه جانتان خواهد نهاد و برای همیشه شما را منقطع خواهد ساخت. «هم‌اکنون تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است. هر درختی که میوه خوب ندهد، بریده و در

آتش افکنده خواهد شد» (متی ۱۰:۳).

علاوه بر این، توبه یعنی زشتی و پلیدی گناه را عمیقا حس کنیم و بفهمیم که گناه چقدر مخالف و متضاد با خدای مبارک و قدوس است. خدا نور و گناه تاریکی است؛ خدا حیات و گناه مرگ است؛ خدا بهشت و گناه جهنم است؛ خدا زیبا و گناه زشت است.

همچنین توبه واقعی یعنی آسیب‌رسانی و مضرات گناه را عمیقا حس کرده و درک کنیم که چگونه گناه، عده‌ای از فرشتگان و آدم را از آسمان بیرون کرد، اولین سنگ بنای جهنم را گذاشت، همه لعنت‌ها، اختلاف‌ها و بدبختی‌های دنیا را به وجود آورد، انسان را در معرض تمام غضب‌های دنیوی، روحانی و ابدی قرار داد و آنها را بی‌خدا، بی‌مسیح، ناامید و جهنمی کرد.

به علاوه، توبه واقعی شامل اندوه و پشیمانی قلبی است برای گناهی که مرتکب شده‌ایم. توبه حقیقی دل را با آه و هق‌هق و ناله می‌شکند، زیرا خدا که پدری مهربان می‌باشد، از گناه آزرده شده، نجات‌دهنده مبارک، دوباره مصلوب شده و روح القدس، آن تسلی‌دهنده شیرین، اندوهگین و رنجیده شده است.

همچنین، توبه نه تنها شامل بی‌زاری از گناه، بلکه بی‌زاری از خود گناهکارمان نیز می‌شود. همان‌طور که انسان نه تنها از خود زهر، بلکه از همان ظرفی که بوی سم می‌دهد نیز بیزار است. بنابراین یک توبه‌کننده واقعی نه تنها از گناه، بلکه از

ظرفی که بوی آن را می دهد نیز بیزار است. «در آنجا راههای خود را به یاد خواهید آورد و نیز همه اعمال خود را که خویشتن را به آنها نجس ساختید، و به سبب همه شرارتهایی که به عمل آوردید، از خود کراحت خواهید داشت» (حزقیال ۲۰: ۴۳). توبه واقعی، قلب شما را نه تنها به سوی بیزاری از گناهانتان، بلکه برای بیزاری از خودتان هدایت می کند.

به علاوه، توبه حقیقی نه تنها انسان را از گناهانش بیزار می سازد، بلکه او را به سبب گناهایی که مرتکب شده، شرمسار و پشیمان می کند. پولس رسول می گوید: «در آن زمان، از انجام اعمالی که اکنون از آنها شرمسارید، چه ثمری بردید؟ نتیجه انجام آن اعمال، مرگ است» (رومیان ۶: ۲۱)، همچنین حزقیال می گوید: «و خداوندگاز یهوه می گوید که چون برای تو به جهت هر آنچه کرده ای کفاره کنم، آنگاه به یاد آورده، شرمسار خواهی شد و از فرط رسوایی دیگر هرگز دهان نخواهی گشود» (حزقیال ۱۶: ۶۳). هنگامی که روح توبه کننده می بیند که گناهانش آرزیده شده، خشم خدا آرام و عدالت الهی اجرا شده است، آنگاه می نشیند، و چنانکه در عبری آمده، از شرمساری چهره اش سرخ می شود. آری، توبه واقعی، باعث می شود که انسان از خود گناهکارش عبور کند و برخلاف آن رفتار نماید، تا انتقام مقدسی از گناه بگیرد و این اتفاق را در پولس، زندانبان فیلیپی، مریم مجدلیه و منسی می بینید. همین امر را پولس رسول در دوم قرنیتیان ۷: ۱۰-۱۱

شرح می‌دهد: «چون اندوهی که برای خدا باشد، موجب توبه می‌شود، که به نجات می‌انجامد و پشیمانی ندارد. اما اندوهی که برای دنیاست مرگ به بار می‌آورد. ببینید اندوهی که برای خدا بود چه ثمراتی در شما پدید آورده است: چه شور و شوقی، چه اشتیاقی به اثبات بی‌گناهی‌تان، چه نارضایتی و احساس خطری، چه دلتنگی، غیرت و مجازاتی.»

حال ای انسان‌ها، تمام این موارد را در نظر گرفته و به من بگویید که آیا توبه کردن به این آسانی است که شیطان می‌گوید یا خیر؛ و من مطمئن هستم قلب شما پاسخ خواهد داد که توبه کردن مانند ساختن جهان یا زنده کردن مردگان، دشوار است.

من این راه حل دوم را با سخنی شایسته از مردی مقدس و عزیز به پایان خواهم رساند: «توبه، تمام جامه‌های انسانیت کهنه را چاک می‌زند و ما را کاملاً برهنه می‌کند و چیزی بر جای نمی‌گذارد.» در این ساختمان پوسیده، توبه هیچ سنگی را روی سنگی باقی نمی‌گذارد. همان‌طور که طوفان، دوستان و خدمتکاران نوح را غرق کرد، سیل اشک‌های توبه نیز باید شیرین‌ترین و پرمفعت‌ترین گناهان ما را غرق کند.

راه حل ۳

سومین راهکار در برابر این ترفند شیطان، درک جدی پیوسته و مستمر بودن توبه است.

کلمه توبه حاکی از مستمر بودن آن است. توبه واقعی، قلب انسان را همیشه متمایل به اجرای تمام احکام خدا می‌کند، حتی تا به آخر. یک توبه‌کننده واقعی باید از ایمان به ایمان و از قدرت به قدرت ادامه دهد؛ او هرگز نباید ثابت بماند یا به نقطه اول برگردد. توبه یک فیض است و باید همچون اعمال فیض آمیز دیگر، عملکرد روزانه خود را داشته باشد. توبه واقعی چشمه‌ای مستمر است که در آن آب اندوه الهی همیشه جاری می‌باشد: «گناهانم همیشه در نظر من است» (مزمور ۵۱: ۳). یک توبه‌کننده واقعی اغلب چشم‌هایش را به روی غرور گذشته‌اش می‌بندد و این باعث می‌شود صبح و عصر «با اشک‌هایش کاناپه‌اش را خیس کند»، یکی از توبه‌کننده‌های برکت یافته می‌گوید: «گناهان دوران جوانی مرا به یادم می‌آور». همچنین توبه‌کننده دیگری می‌گوید: «من کفرگو و ستمگر و آزارگر بودم.»

توبه، بازگشت مستمر است؛ توبه‌ای که هرگز از مسیر خارج نمی‌شود و بازگشتی که هرگز دوباره به حماقت قبل تبدیل نمی‌گردد. یک توبه‌کننده واقعی همیشه موردی درون خود دارد که از آن رویگردان شود. او هرگز نمی‌تواند به اندازه کافی و مانند گذشته به خدا نزدیک شود و از این رو او همچنان از مسیرهای قبلی خود بازگشت می‌کند تا هرچه بیشتر به خدا نزدیک گردد؛ توبه، بزرگ‌ترین نیکویی، دلخواه‌ترین، بهترین و عالی‌ترین وضعیت برای اوست. آنها هر روز گریه و زاری می‌کنند و می‌گویند: «آه که چه شخص نگونبختی

هستم! کیست که مرا از این پیکرِ مرگِ رهایی بخشد؟» (رومیان ۷: ۲۴). توبه‌کنندگان واقعی نسبت به گناه، حساس و همچنان با گناه، در ستیز هستند و برای گناه، اندوهگین می‌باشند و از خود گناهکارشان بیزارند.

توبه عملی زودگذر نیست، بلکه عمل مستمر روح است. ای انسانی که وسوسه شده‌ای! به من بگو آیا همان‌طور که شیطان می‌گوید این کار آسانی است؛ در حالی که باید هر روز بیشتر از گناه روی گردانی و به خدا نزدیک‌تر شوی و این برگزیده‌ترین برکتِ تو می‌باشد. یک توبه‌کننده واقعی همان‌طور که می‌تواند به عمل توبه رضایت دهد، می‌تواند به آسانی عمل ایمان یا محبت را به جا آورد.

یک‌بار خاخامی یهودی در حالی که عمل توبه را به صورت جدی برای شاگردانش شرح می‌داد و آنها را تشویق می‌کرد که حتماً یک روز قبل از مرگشان توبه کنند، یکی از آنها گفت که روز مرگ هر انسانی بسیار نامشخص است. خاخام گفت: «پس هر روز توبه کن، آنگاه حتماً روز قبل از مرگ توبه کرده‌ای.» شما حکیم هستید و چگونه به کار بردن این عبارت به نفع خود را می‌دانید.

راه حل ۴

راهکار چهارم در برابر این ترفند شیطان، جدی در نظر گرفتن این موضوع است که اگر عمل توبه به این آسانی است که

شیطان می‌گوید، در این صورت قطعاً بسیاری از افراد به خاطر توبه نکردن، غضب و تباهی ابدی در زیر فشار وحشت و عذاب وجدان، ناله و گریه نمی‌کردند. بله، بدون شک، اگر توبه به این آسانی بود، میلیون‌ها نفر به دلیل عدم توبه به جهنم نمی‌رفتند.

آه! آن روز نیاید که انسان‌های بیچاره در وحشت و عذاب وجدان فریاد بزنند و بگویند: «اگر این دنیا تکه‌ای طلا در دست ما بود تا به آن رسیدگی کنیم، قطعاً آن را با کوچک‌ترین توبه حقیقی معاوضه می‌کردیم» و آیا باز هم می‌گویید که توبه کار آسانی است؟ وقتی گناهکار بیچاره‌ای که وجدانش بیدار است، کل دنیا را با کوچک‌ترین توبه معاوضه می‌کند و برایش مسرت‌بخش‌ترین معامله است، به من بگو ای انسان، آیا رفتن به جهنم خوب است؟ آیا سکونت در آتش فروبرنده و شعله‌های جاودانه خوب است؟ آیا خوب است که تا ابد از حضور پرپرکت و باشکوه خدا و مقدسین جدا باشیم و برای همیشه از آن نعمت‌های بی‌کران و بی‌شمار حیات ابدی که سرشار از نیکویی‌اند، محروم بمانیم؟ چیزهایی والا که بی‌پایان و چنان ارزشمند هستند که از هر برآورد و تصویری فراتر می‌روند. این بزرگ‌ترین بدبختی است که می‌تواند بر فرزندان انسان وارد شود و اگر توبه همان‌طور که شیطان می‌گوید آسان بود، آیا با عمل توبه از این بدبختی جلوگیری نمی‌کردند؟

خب، پس با گوش دادن به این ترفند شیطان که توبه کار آسانی است، خطر از دست دادن خدا، مسیح، بهشت و روح خود را برای همیشه متحمل نشوید.

اگر توبه آسان است؛ پس چرا انسان‌های شریر این چنین در برابر آنانی که تحت تاثیر بهترین روش‌ها و استدلال‌های قوی و برگزیده کتاب مقدسی که بر پایه توبه ارائه می‌شوند، مقاومت می‌کنند؟ و چرا چنین اشخاصی هر دو را به یک باره می‌کشند؛ هم شهرت خادمین وفادار و هم جان‌هایشان را با گفتار و اعمال شریرانه خود، زیرا از توبه‌ای بهره می‌برند که شیطان می‌گوید: «این کار، بسیار آسان است.» بی‌گمان، اگر توبه چنین آسان بود، هنگامی که این آموزه با معیارها و سنجش‌های انجیلی بر انسان‌های گناهکار فشار می‌آورد، آنان تا این اندازه خشمگین و برآشفته نمی‌شدند.

راه حل ۵

پنجمین راهکار در برابر این ترفند شیطان، درک این موضوع است که توبه از گناه به اندازه پرهیز از گناه، عملی فیض‌آمیز است.

با سرازیر شدن گناه، قوت روح ما تضعیف می‌شود، قدرت فیض رو به زوال می‌رود، شواهد آسمان برایمان محو می‌گردند و ترس‌ها و شک‌ها در روحمان افزایش می‌یابند (آیا خدا یک بار دیگر این گناه را که همانند جامه‌ای سرخ‌فام است،

می‌بخشد و به این روح بیچاره رحم می‌کند؟) و تباهی و فساد دل‌ها بیشتر از منفعت و ثبات آنها است و وجدان انسان پس از ارتکاب گناه، بی‌رحم‌تر یا بی‌حس‌تر می‌شود. اکنون با وجود همه اینها، برای یک روح گناهکار، توبه کردن از گناه و سقوط خود، همان فیض و برکتی را به همراه دارد که پرهیز از گناه در پی دارد.

توبه، قی کردن (بالا آوردن) روح است و در میان تمام راهکارها، هیچ کدام به اندازه بالا آوردن سخت و دشوار نیست. همان منبعی که تمایل دارد روح را از گناه حفظ کند، باعث می‌شود که روح وقتی به گناه افتاد با توبه برخیزد. می‌دانیم که رحمت و محبت خدا منبعی ویژه برای حفظ روح از گناه است؛ درست همان‌طور که داوود می‌گوید: «زیرا محبت تو را همواره پیش چشم خود دارم، و پیوسته در سایه وفاداری تو گام می‌زنم. با مردان باطل همنشین نمی‌گردم، و با ریاکاران همراه نمی‌شوم؛ از جماعت بدکاران بیزارم و با شریران همنشینی نمی‌کنم» (مزمور ۲۶: ۳-۵). پس طبق همین منبع، روح با توبه از گناه برمی‌خیزد، همان‌طور که در خصوص مریم مجدلیه می‌بینید، محبت فراوان و گریه‌های بسیار او نشانی از آمرزش بزرگی بود که یافته بود (لوقا ۷: ۳۷-۵۰). همچنین در هوشع می‌خوانیم: «بیایید نزد خداوند بازگردیم، زیرا او ما را دریده است، اما شفایمان خواهد داد؛ او ما را مجروح کرده است، اما زخمهایمان را خواهد بست. پس از دو روز ما را

احیا خواهد کرد، و در روز سوّم ما را برخواهد خیزانید، تا در حضور او زیست کنیم» (هوشع ۶: ۱-۲) و در عبری می‌گوید: «در لطف و رحمت او.» ایمان به رحمت و محبت خدا که توبه‌کنندگان را شفا می‌بخشد، زخم‌هایشان را التیام می‌دهد، روح‌های افسرده را احیا می‌کند و زندگی در لطفش را ممکن می‌سازد، همان عاملی بود که برخی افراد را به توبه و بازگشت به سوی او سوق داد.

من ممکن است این حقیقت را در بسیاری از ابعاد دیگر به شما نشان دهم، اما شاید این کافی باشد؛ به طور کلی فقط به خاطر بسپارید که به اندازه قدرت خدا، عشق خدا، ایمان به خدا و ترس از خدا، نیرو لازم است تا انسان برای توبه از گناه تلاش کند و توجه به خشنود ساختن خدا و غیرت برای جلال او (دوم قرن‌تیسار ۷: ۱۱)، لازمه عملکرد انسان برای توبه از گناه است؛ چرا که این عمل نه تنها انسان را از گناه دور نگه می‌دارد، بلکه می‌توانید به راحتی بگویید: «توبه از گناه به اندازه پرهیز از گناه کار بزرگی است» و حال ای انسان! به من بگو، آیا گناه نکردن آسان است؟ ما می‌دانیم که توبه از گناه قطعاً کار آسانی نیست.

راه حل ۶

ششمین راهکار در برابر این ترفند شیطان توجه به این نکته است: کسی که اکنون شما را به گناه وسوسه می‌کند و

می‌گوید توبه آسان است، به زودی ناامیدتان می‌کند و همواره قصد نشان دادن توبه به عنوان سخت‌ترین و دشوارترین کار دنیا را دارد.

به همین منظور او مرتب گناهان شما را در مقابل چشمانتان می‌آورد و آنها را وادار می‌کند که بگویند: «ما از آن تو هستیم و هر جا بروی به دنبال می‌آییم.»

در این شرایط، شیطان کمک می‌کند تا روح گناهکار به بالا نگاه کند و خدا را خشمگین ببیند و به درونش بنگرد و وجدانش را متهم و محکوم بیابد و به پایین بنگرد و دهان جهنم را برای پذیرفتن روح ناپاک باز ببیند و همه اینها به منظور غیرممکن جلوه دادن توبه برای روح است. شیطان می‌گوید: «آیا فکر می‌کنید بخشیده شدن آسان است؛ در حالی که فیض با تمام قدرتش قادر نیست مادامی که در این جهانیم بر آن غالب آید؟ آیا آسان است از گناهی سطحی که به آن معتاد شده‌اید، روی گردانید؟ آیا به یاد نمی‌آورید که بارها از یک گناه شکایت کرده‌اید و تصمیم گرفته‌اید آن را ترک کنید اما تا به امروز موفق نبوده‌اید، چون نمی‌توانید؟ پس بازگشت از هر گناهی چقدر سخت خواهد بود؟ آری، فکر کرده‌اید می‌توانید آن گناهان و شهوات لذت بخش را که مانند مفاصل و اعضا به شما چسبیده‌اند و همانند دست راست و چشم راست هستند، از بین ببرید و قطع کنید؟ آیا تاکنون گناهانتان را بیشتر از نجات دهنده خود دوست نداشته‌اید؟

آیا زمین را بر آسمان ترجیح نداده‌اید؟ آیا همواره از واسطه‌های فیض غفلت نکرده‌اید و پیشنهادهای فیض‌آمیز را حقیر شمرده‌اید و روح فیض را آزرده نساخته‌اید؟

اگر بدی‌های بی‌پایانی را که مرتکب شده‌اید و خدمات خیر بی‌شماری را که از قلم انداخته‌اید و هشدارهای مکرر وجدانتان را که حقیر شمرده‌اید، پیش روی شما بگذارم، پایانی نخواهد داشت.»

بنابراین ممکن است به خوبی نتیجه بگیرید که هرگز نمی‌توانید توبه کنید، آنگاه هرگز توبه نخواهید کرد.

شیطان می‌گوید: «اکنون اندکی به گناهان بی‌شمار خودتان و بزرگی و کثیف بودن و شرایط بد گناهان خود توجه کنید و به راحتی خواهید دید که آن گناهایی که فکر می‌کردید همانند تپه‌ها هستند، به راستی به اندازه کوه‌ها می‌باشند و آیا اکنون توبه از آنها بیهوده نیست؟» شیطان پاسخ می‌دهد: «قطعاً، اگر مانند عیسو در جست‌وجوی توبه و فیض باشید، آن را نخواهید یافت؛ چرا که ساعت شنی شما به انتها رسیده، خورشیدتان غروب کرده، در رحمت به رویتان بسته شده، عصای سلطنت از دست شما گرفته شده است و اکنون شما که رحمت را حقیر دانسته‌اید، برای همیشه توسط عدالت نابود خواهید شد. برای چنین شخص بدبختی که تلاش دارد بازگشت کند، توبه، کاری غیرممکن است. محال است که شما در تمام عمرتان بتوانید بر یک گناه غلبه کنید

و بر این گناهان بی شمار تسلط یابید، گناهانی که برایتان بسیار نزدیک، لذت بخش، ضروری و سودآور هستند، گناهانی که در این مدت طولانی با شما همبستر شده بودند و بر شما سوار هستند و گناهانی که از آشنایان و همراهان قدیمی شما گشته اند. آیا غالباً قصد و نذر نکرده اید، وعده نداده اید و تصمیم نگرفته اید که توبه کنید، اما تا به امروز هرگز نتوانسته اید به آن دست یابید؟ یقیناً مبارزه با جریانی که غلبه بر آن غیرممکن است، بیهوده می باشد. شما گم شده و باید برای همیشه به جهنم بروید.»

آه، ای انسان ها! کسی که اکنون شما را با ساده نشان دادن توبه، به گناه و سوسه می کند؛ سرانجام شما را ناامید و توبه را سخت ترین و دست نیافتنی ترین کار دنیا جلوه می دهد و مدعی می شود همان طور که بهشت از جهنم و نور از تاریکی جدا است، انسان نیز از توبه فاصله دارد. ای کاش عاقل بودی و با توبه به موقع، گناهانت را از بین می بردی.

ترفندهای شیطان برای جلوگیری از ایمان آوردن گناهکاران به عیسی مسیح

بررسی پنج ترفند دیگر شیطان که طبق انجیل به موجب آن، انسان‌های گناهکار را از ایمان به مسیح، دریافت مسیح، در آغوش کشیدن مسیح، استراحت، تکیه یا اعتماد بر مسیح برای سعادت و برکت ابدی بازمی‌دارد و نشان دادن راهکارهایی برای مقابله با این ترفندها:

ترفند ۱: به روح انسان تلقین می‌کند که گناهانت بسیار بزرگ، پست و فرومایه است.

شیطان می‌گوید: «عجب! آیا فکر می‌کنید که مسیح هرگز بر شما رحم خواهد کرد؛ شمایی که خود خواهانه در برابر

مسیح گناه کرده‌اید، پیشنهادهای فیض را نادیده گرفته‌اید، روح فیض را غمگین کرده‌اید و کلام فیض را تحقیر کرده‌اید، خون عهد و پیمانی را که ممکن بود به موجب آن مورد عفو، تقدس، پارسا شمردگی و نجات قرار بگیرید، زیر پا گذاشته‌اید و هر بدی را که می‌توانستید انجام داده‌اید و هر سخنی را به زبان آورده‌اید؟ نه! نه! او به دیگران رحم می‌کند، اما به شما رحم نخواهد کرد؛ دیگران را می‌بخشد، اما شما را نمی‌بخشد؛ دیگران را پارسا می‌شمارد، اما شما را پارسا نمی‌گرداند. بنابراین بیهوده است که شما به ایمان به مسیح فکر کنید یا روح گناهکار خود را به مسیح بسپارید» (ر.ک ارمیا ۳:۵).

راه حل ۱

اولین راهکار در برابر این ترفند شیطان، آگاهی از این است که هرچه گناهانتان بزرگ‌تر باشد، بیشتر به منجی نیاز دارید. هرچه بار شما بزرگ‌تر باشد، بیشتر به کسی نیاز دارید تا بتوانید آن را حمل کنید. هرچه زخم عمیق‌تر باشد، نیاز به جراح بیشتر است. هرچه بیماری خطرناک‌تر باشد، نیاز به پزشک بیشتر می‌شود. چه کسی جز دیوانگان این‌گونه استدلال می‌کند: «بار من زیاد است؛ پس از کسی کمک نمی‌خواهم. زخم من عمیق است، بنابراین کسی را برای مرهم گذاشتن صدا نمی‌زنم. بیماری من خطرناک است، بنابراین به پزشک مراجعه نمی‌کنم.» آه! این جنون روحانی و منطقی

شیطان است که چنین استدلال می‌کند: «گناهان من بزرگ است، بنابراین نزد مسیح نخواهم رفت، من نه شهامت آزامی در مسیح و نه تکیه بر مسیح را دارم.» در حالی که انسان باید این‌گونه استدلال کند: «هرچه گناهانم بزرگ‌تر باشد، بیشتر به رحمت و بخشش نیاز دارم، بنابراین نزد مسیح خواهم رفت، کسی که از رحمت لذت می‌برد و به خاطر نام خود گناه را می‌بخشد، کسی که پوندها را در ازای چند پنی و هزاران را در ازای صدها می‌بخشد» (میکاه ۷:۱۸؛ اشعیا ۴۳:۲۵).

راه حل ۲

دومین راهکار در برابر این ترفند شیطان، در نظر گرفتن این است که وعده فیض و رحمت برای بازگشت گناهکاران داده شده است.

از این رو، هرچند هرگز آن قدر گناهکار و فاسد نیستی؛ اما اگر بازگردی، خدا از آن تو خواهد بود و رحمت و بخشش نیز شامل حال تو می‌شود: «زیرا اگر نزد خداوند بازگشت کنید، برادران و فرزندان‌تان در نزد آنان که ایشان را به اسیری برده‌اند التفات خواهند یافت، و بدین سرزمین باز خواهند گشت. زیرا یهوه خدای شما فیاض و رحیم است، و اگر نزد او بازگشت کنید، روی خود را از شما بر نخواهد گردانید» (دوم تواریخ ۳۰:۹)، همچنین ارمیا ۳:۱۲ چنین می‌گوید: «پس برو و این سخنان را به جانب شمال ندا کرده، بگو: خداوند می‌فرماید، "ای اسرائیل

بی وفا، بازگرد! من بر تو با ناخشنودی نخواهم نگریست، زیرا که من وفادار هستم، و خشم خویش را تا ابد نگاه نخواهم داشت؛ این است فرموده خداوند. «و یوثیل ۲: ۱۳ می فرماید: «دل خود را چاک زنید، نه جامه خویش را. به سوی یهوه خدای خود بازگشت کنید زیرا او فیاض و رحیم است، دیرخشم و آکنده از محبت، و از بلا منصرف می شود.» و اشعیا ۷: ۵۵ چنین است: «شریر راههای خود را ترک گوید، و شخص بدکار افکار خویش را؛ به سوی خداوند بازگردد، که بر وی رحم خواهد کرد؛ و به سوی خدایمان بیاید، که او را به فراوانی خواهد آمرزید.» همچنین یهودیان عبارت «خدا به فراوانی خواهد آمرزید» و حزقیال ۱۸ را در دعاهای خود می خوانند.

آه، ای گناهکار! اگر با توبه گناهان خود را رها کنی و به چشمه رحمت برگردی، آنگاه حتی گناهان بزرگت هم نمی توانند تو را از رحمت الهی دور کنند. قلب و آغوش مسیح، برای در آغوش کشیدن شخص سرکشی که بازگشته، همواره باز است. این مسئله صرفاً ربطی به بزرگی گناهان شما ندارد، بلکه اصرار بر گناه ورزیدن است که باعث هلاکت ابدی شما خواهد شد.

راه حل ۳

سومین راهکار در برابر این ترفند شیطان، دریافتن این نکته است که بزرگترین گناهکاران مورد رحمت قرار گرفته اند و

بنابراین همه فرشتگان در آسمان، همه انسان‌های روی زمین و همه شیاطین در جهنم نمی‌توانند خلاف آن را بیان کنند. پس ممکن است رحمت شامل حال شما نیز بشود.

مَنَسی شخص گناهکار و بدنامی بود، او برای بعل مذبح‌ها برپا کرد و تمام لشکر آسمان را عبادت و خدمت کرد، پسرش را در آتش قربانی کرد، خود را وقف فالگیری و جادوگری کرد؛ او یهودا را گناهکارتر از امت‌هایی ساخت که خداوند آنها را پیش‌تر در حضور اسرائیل هلاک کرده بود و باعث شد که اورشلیم از خون بی‌گناهان ملبس شود (دوم پادشاهان ۲۱). آه! چنانکه گویی شیطان در اعمال او مجسم بود! با این حال خود را فروتن ساخت و خداوند را جست‌وجو کرد. همان‌طور که در دوم تواریخ ۱۲:۳۳-۱۳ می‌بینید؛ او با استغاثه از خداوند درخواست نمود و خداوند دعایش را شنید و او را به اورشلیم آورد و خود را به او شناسانید و مَنَسی تاج رحمت و محبت خدا را بر سر گذاشت.

همچنین پولس زمانی کفرگو، ستمگر و آزاردهنده بود. با این حال، او مورد رحمت خدا قرار گرفت (اول تیموتائوس ۱: ۱۳). مریم مجدلیه هم زنی بدنام و فاحشه‌ای هرزه بود که مسیح هفت روح شریر را از او بیرون کرد، اما او هم مورد عفو و رحمت مسیح قرار گرفت و برای مسیح بسیار محبوب گشت (لوقا ۷: ۳۷-۳۸). همچنین مرقس ۹: ۱۶ می‌گوید: «چون عیسی در سحرگاه نخستین روز هفته برخاست، نخست بر

مریم مَجْدَلِیَّه که از او هفت دیو بیرون کرده بود، ظاهر شد.»
 جانسنیوس^۱ می‌گوید: «این بسیار محسوس است که نجات‌دهنده ما پس از رستاخیز، برای اولین بار به مریم مَجْدَلِیَّه و پطرس ظاهر شد که شدیداً گناهکار بودند؛ تا حتی بدترین گناهکاران هم دلداری و تشویق شوند و به سمت مسیح بیایند، به او ایمان بیاورند، آرامی بگیرند و روح خود را پیرو مسیح گردانند تا برایشان در اینجا رحمت و بعد از آن جلال باشد.» در مزمور ۱۸:۶۸ کلمه‌ای بسیار پرمعنی برای بدترین گناهکاران به کار رفته است. مزمورنویس در مورد مسیح این‌گونه سخن می‌گوید: «آنگاه که بر عرش برین صعود کردی اسیران را به اسیری بردی و هدایا از آدمیان گرفتی، حتی از طغیانگران، تا که تو ای یهوه خدا در آنجا سکونت گزینی.»
 چه فرزندی طغیانگر باشی، یا خادمی طغیانگر! چه ناسزاگویی طغیانگر باشی، چه مستی طغیانگر و چه سَبِّت‌شکنی طغیانگر! در هر حال مسیح برای شما هدایایی تدارک دیده است، «حتی برای طغیانگران.»

او هدیه عفو و پارسایی، آری، همه عطایای روح را برای شما تدارک دیده است تا قلب شما به خانه لذت بخشی تبدیل شود که خدا در آن ساکن شود.

جان بودین^۲ داستانی در مورد یک شورشی بزرگ می‌گوید

1. Jansenius
 2. John Bodin

که حزبی قوی علیه امپراتور روم تشکیل داده بود. امپراتور اعلام می‌کند که هر کس بتواند آن شورشی را مرده یا زنده بیاورد، مقدار زیادی پول دریافت می‌کند. شورشی که این را می‌شنود، آمده و در برابر امپراتور حاضر می‌شود و مبلغ تعیین شده را از او درخواست می‌کند. امپراتور با خود می‌گوید: «حال اگر او را بکشم، دنیا می‌گوید این کار را برای حفظ پولم انجام دادم»؛ به این ترتیب شورشی را می‌بخشد و پول را به او می‌دهد.

آه، ای گناهکاران! آیا بت پرستان که جز قطره‌ای رحمت و شفقت در آنها چیزی نیست؛ قادر هستند این کار را بکنند؟ و آیا مسیح که تمامیت فیض، رحمت و جلال را در خود دارد، خیلی بیشتر از اینها نخواهد کرد؟ مطمئناً که دل او به سمت بدترین طغیانگران نیز تمایل دارد. آه! اگر وارد عمل شوید، او را آمادهٔ بخشش و رحمت خواهید یافت. آری، کسی که از رحمت و عفو سرشار است. آه! عیسای مسیح آماده و مایل است تا، بزرگ‌ترین طغیانگران نیز رحمت را دریافت کنند! پدر رحمت‌ها، آن دهان بخشنده‌ای را که با انسان‌های پست و حقیر غذا می‌خورد و فاحشه‌ها را می‌پذیرفت، ملاقات کرد، در آغوش گرفت و بوسید (با کولسیان ۱: ۱۹ و ۲: ۳-۴ مقایسه کنید).

اِفرایم بت پرستی کرده، از خدا رویگردان شده و دچار ولرمی و بی‌ایمانی و غیره بود. با این حال خدا می‌گوید: «اِفرایم پسر عزیزم، فرزند دلپذیری است، دل {قلب} من برای

او پریشان است، بر او رحم خواهیم کرد.» یا بهتر است بگوییم که در اصل، خداوند می‌گوید: «من رحم خواهیم کرد، بر او رحم خواهیم کرد.»

خدا می‌گوید، خب! هرچند اِفرایم مرتکب گناهان وحشتناکی شده است، اما او پسر من است؛ پسری عزیز، پسری گرانقدر، فرزندی دلپذیر. اگرچه پلیدی او سیاه و گناهانش سرخ‌فام باشد، اما دل من برای او پریشان است؛ پس بر او رحم خواهیم کرد. ای گناهکاران! اگر این قلب پررحمت برایتان نسوزد، پیروز نشود و شما را خُرد نکند؛ عدالت، شاهی سریع بر شما خواهد شد و به خاطر رد کردن قلب رحمت، شما را به تیره‌بختی ابدی می‌کشاند.

مسیح همچنان مانند سکا‌های^۱ جنگجو، پرچم سفیدی از فیض و رحمت را برای گناهکارانی تکان می‌دهد که در حال بازگشت و توبه هستند و خود را در مقابل پای او فروتن می‌کنند، اما اگر گناهکاران برای توبه مقاومت کنند؛ مسیح پرچم سرخ و خونین خود را برافراشته و آنها برای همیشه به دست عدالت خواهند مُرد. ای گناهکاران! هیچ راهی برای جلوگیری از هلاکت با عصای آهنین مسیح وجود ندارد، مگر بوسیدن عصای طلایی او.

۱. سکاها دسته‌ای از مردمان کوچ‌نشین آریایی و ایرانی تبار بودند که محل زندگی آنان از شمال به دشت‌های جنوب سیبری، از جنوب به دریای خزر و دریاچه آرال، از شرق به ترکستان چین و از غرب تا رود دانوب می‌رسید.

راه حل ۴

چهارمین راهکار در برابر این ترفند شیطان، توجه به این است که عیسای مسیح در هیچ کجای کتاب مقدس حتی در برابر بدترین گناهکارانی که مایل به پذیرش او و ایمان آوردن به او هستند تا با دریافت شادی و برکت در او آرام گیرند، استثنایی قائل نشده است.

آه، ای گناهکاران! چرا باید نسبت به خود این چنین ظالم و بی رحم باشید؛ در حالی که مسیح با شما این گونه نیست؟ مسیح شما را از رحمت خود محروم نکرده است؛ پس چرا روح خود را از رحمت محروم می‌کنید؟ ای کاش بیشتر بر این آیه کتاب مقدس متمرکز می‌شدید: «هرآنچه پدر به من بخشد، نزد من آید؛ و آن که نزد من آید، او را هرگز از خود نخواهم راند» (یوحنا ۶: ۳۷). مسیح می‌گوید، خب! اگر کسی می‌خواهد نزد من بیاید یا در حال آمدن است، اگر گنااهش زیاد باشد یا کم؛ خیلی نالایق باشد یا کمی نالایق؛ یا آن قدر گناهکار، پلید، طغیانگر و جذامی باشد که هیچ کس مانند او یافت نشود؛ اگر خودش بخواهد، او را طرد نمی‌کنم.

در اول قرن‌های ۶: ۹-۱۱ این مطلب به خوبی بیان شده است: «آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید! بی‌عفتان، بت پرستان، زناکاران، لواط‌گران - چه فاعل و چه مفعول، دزدان، طمع‌ورزان، میگساران،

ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد. بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده‌اید.»

آه، ای گناهکاران! کسی که چنین گناهکاران بدنامی را مورد رحمت قرار داده است، هرگز شما را طرد نمی‌کند. او دیروز و امروز و تا ابد همان است (عبرانیان ۱۳:۸). مسیح در مکانی به دنیا آمد تا نشان دهد پذیرای تمام کسانی هست که به سمتش می‌آیند؛ همچنین جامه‌های او به چهار قسمت تقسیم شد که نشان می‌دهد از هر نقطه جهان که بیاییم، پذیرفته خواهیم شد. اگر برهنه باشیم، مسیح ما را با جامه‌هایی می‌پوشاند، اگر بی‌خانمان هستیم، مسیح ما را در مکانی اسکان می‌دهد. این یک آیه منتخب از کتاب مقدس است.

«پطرس چنین سخن آغاز کرد: "اکنون دریافتم که براستی خدا تبعیضی میان مردمان قائل نیست؛ بلکه از هر قوم، هر که از او بترسد و پارسایی را به عمل آورد، مقبول او می‌گردد"» (اعمال ۱۰:۳۴-۳۵).

بر روی صلیب برای شهادت مسیح به عنوان پادشاه یهود؛ به سه زبان یونانی، لاتینی و عبری نوشتند (ر.ک. یوحنا ۱۹:۱۹-۲۰)، هر یک از آنها در چندین اصطلاح، بیان و تایید می‌کند که مسیح یک منجی است که برای همه

کافی می‌باشد و «یک ریسمان سه‌لا به راحتی پاره نمی‌شود» و رسولی که نویسنده رساله عبرانیان است بر این موضوع صحنه می‌گذارد: «پس او قادر است آنان را که از طریق وی نزد خدا می‌آیند، جاودانه نجات بخشد، زیرا همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند» (عبرانیان ۷:۲۵).

حال، اگر مسیح نمی‌توانست بزرگ‌ترین و همچنین کوچک‌ترین گناهکاران را نجات دهد، پس او برای نجات‌دهنده بودن کافی نبود. آه، ای گناهکاران! عیسای مسیح رحمت خود را از شما دریغ نکرده است. بنابراین به او بگویید که تصمیم دارید بنشینید، منتظر بمانید، گریه کنید و در رحمت را بکوبید تا او بگوید: «ای جان‌های خسته، شاد باشید، گناهان شما بخشیده می‌شود، خودتان پذیرفته می‌شوید و روحتان نجات می‌یابد.»

راه حل ۵

پنجمین راهکار در برابر این ترفند شیطان این است که بدانید؛ وقتی مسیح شما را به عنوان ثمره مشقت جان خویش می‌بیند؛ هرچه گناهکارتر باشید، برای او عزیزتر خواهید بود: «ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد» (اشعیا ۵۳:۱۱).

هرچه برای چیزی بهای سنگین‌تری پردازیم؛ آن چیز نزد ما عزیزتر خواهد شد. مسیح برای بزرگ‌ترین گناهکاران

بیشترین بها را پرداخته، بیشترین دعا را کرده، بیشترین آه را کشیده، بیشترین گریه را کرده و بیشترین خون را ریخته است. بنابراین آنها برای مسیح عزیزتر از کسانی هستند که گناه کمتری دارند. راحیل نزد یعقوب از لیه عزیزتر بود، زیرا برای او بهای بیشتری پرداخت. او اطاعت و تحمل کرد و روز و شب برای راحیل بیشتر از لیه رنج کشید.

آه، ای گناهکاران! بزرگی گناهان شما، عظمت آزادی و محبت و غنای فیض مسیح را نمایان می‌کند. این امر باعث می‌شود آسمان و زمین او را بستایند و بگویند او عاشق کسانی است که بی‌محبت‌ترین هستند و نسبت به کسانی که در برابر او بسیار گناهکارند، بیشترین لطف و رحمت را نشان می‌دهد؛ درست همان‌طور که در کتاب مقدس، پولس، مریم مجدلیه و دیگران را مشاهده می‌کنیم. چه کسی بیشتر از اینها به مسیح گناه کرد؟ و چه کسی می‌تواند چیزی دلپذیرتر و مطلوب‌تر از محبت و برکت خداوند را تجربه کند؟

راه حل ۶

ششمین راهکار در برابر این ترفند شیطان این است که به طور جدی دریابید؛ هرچه بیشتر از مسیح دوری کنید، گناهان شما بزرگ‌تر و قوی‌تر می‌شوند.

تمام قدرت و نیروی الهی در برابر گناه از اتحاد و ارتباط روح با مسیح سرچشمه می‌گیرد (رومیان ۸: ۱۰؛ اول یوحنا

۶:۱-۷). وقتی از مسیح دوری می‌کنید؛ در واقع از آن نیرو و قدرتی دور می‌شوید که به تنهایی می‌تواند شما را ملزم کرده که هر قدرتی را زیر پا بگذارید، از بند هر اسارتی آزاد شوید و جلیات‌هایی را که از مسیح سرپیچی می‌کنند، هلاک گردانید. تنها با ایمان به مسیح است که انسان می‌تواند بر گناه، شیطان، جهنم و دنیا پیروز گردد (اول یوحنا ۴:۵). تنها ایمان به مسیح است که دست و پای مرد قوی را می‌بندد، مشکل خونریزی را متوقف می‌کند، انسان را در پایدار ماندن نیرو می‌بخشد و در پیروزی خوشحال می‌سازد. گناه همواره در جایی که ایمان بیشتر زیست می‌کند، بیشتر نابود می‌شود. با ایمان‌ترین روح، شرمسارترین روح است.

آه، ای گناهکار! این را به خاطر بسپار که هیچ راه مؤثری برای رهایی از محکومیت، پلیدی و قدرت گناه بر روی زمین وجود ندارد، مگر ایمان به یک نجات‌دهنده. این مسئله قابل حل، شکایت یا حتی ماتم نیست، بلکه ایمان است که تو را بر آن پیکر گناهی که تا امروز بر تو غالب آمده است، پیروزی الهی می‌بخشد و یقیناً اگر گناه با دست ایمان ویران نشود؛ تباهی تو قطعی خواهد بود.

راه حل ۷

هفتمین راهکار در برابر این ترفند شیطان، عاقلانه اندیشیدن در این مسئله است که در مسیح هیچ چیزی نمی‌تواند مانع

ایمان بزرگ‌ترین گناهکاران به او شود. بنابراین همه چیز در مسیح بزرگ‌ترین گناهکاران را تشویق می‌کند که به او ایمان بیاورند و در او آرامی یابند و برای سعادت و برکت یافتگی به او تکیه کنند (غزل‌ها ۳:۱).

اگر به طبیعت، خلق و خو، اسامی، القاب، مناصب مسیح به عنوان پادشاه، کاهن و نبی نگاه کنید؛ چیزی نمی‌بینید که بزرگ‌ترین گناهکاران را از ایمان آوردن به او منصرف کند، بلکه چیزهای زیادی وجود دارند که بزرگ‌ترین گناهکاران را تشویق می‌کنند تا او را دریافت و با او زیست کنند. مسیح بزرگ‌ترین، برگزیده‌ترین، اصلی‌ترین، مناسب‌ترین و ضروری‌ترین نیکویی است. او یک نیکویی محض، واقعی، کلی، ابدی و ارضاکنده روح است.

ای گناهکاران! آیا فقیر هستید؟ مسیح طلای ناب دارد تا شما را دولتمند سازد. آیا برهنه هستید؟ مسیح جامه‌های سفید سلطنتی دارد تا شما را بپوشاند. آیا نابینا هستید؟ مسیح مرهمی برای چشم شما دارد تا بینا شوید. آیا گرسنه هستید؟ مسیح مَنای آسمانی خواهد شد تا شما را تغذیه کند. آیا تشنه هستید؟ او آب حیات خواهد بود تا شما را تازه سازد. آیا زخمی شده‌اید؟ او زیر بال‌هایش مرهم دارد تا شما را شفا دهد. آیا مریض هستید؟ او طبیبی است که شما را درمان می‌کند. آیا زندانی هستید؟ او برای شما فدیة گشته است (رک مکاشفه ۳: ۱۷-۱۸).

آه، ای گناهکاران! به من بگویید، بگویید آیا در مسیح چیزی وجود دارد که شما را از ایمان به او بازدارد؟ هرگز! آیا در مسیح همه چیز شما را تشویق نمی‌کند که به او ایمان بیاورید؟ قطعاً! آه، پس به او ایمان بیاورید و سپس «اگرچه گناهان شما چون ارغوان باشد، همچون برف سفید خواهد شد؛ و اگرچه همچون قرمز، سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد» (اشعیا ۱: ۱۸). پس گناهان شما فراموش و آمرزیده می‌شوند و دیگر به یاد نمی‌آیند. خداوند آنها را پشت سرش و به قعر دریا می‌اندازد (اشعیا ۴۳: ۲۵؛ ۳۸: ۱۷؛ میکاه ۷: ۱۹).

راه حل ۸

هشتمین راهکار در برابر این ترفند شیطان این است که به طور جدی ضرورت مطلق ایمان به مسیح را در نظر داشته باشیم.

بهشت بسیار مقدس و هیجان‌انگیزتر از آن است که بی‌ایمانان را در خود جای دهد. اسکان آنها در جهنم مهیا شده است: «اما نصیب بزدلان و بی‌ایمانان و مفسدان و آدمکشان و بی‌عفتان و جادوگران و بت‌پرستان و همه دروغگویان، دریاچه‌ی مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این مرگ دوم است» (مکاشفه ۲۱: ۸). «به شما گفتم که در گناهان خویش خواهید مرد، زیرا اگر ایمان نیاورید که من هستم، در گناهانتان خواهید مرد» (یوحنا ۸: ۲۴) و کسی که در گناهان

خود بمیرد باید در گناهان خود به سمت داوری سخت و جهنم برود. یوحنا می‌گوید: «هر که به او ایمان دارد محکوم نمی‌شود، اما هر که به او ایمان ندارد، هم‌اینک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است. آن که به پسر ایمان دارد، حیات جاویدان دارد؛ اما آن که از پسر اطاعت نمی‌کند، حیات را نخواهد دید، بلکه خشم خدا بر او برقرار می‌ماند» (یوحنا ۳: ۱۸ و ۳۶).

آه، ای گناهکاران! شریعت، انجیل و وجدانتان حکم محکومیت را بر شما صادر کرده است و هیچ راهی برای برگرداندن این حکم وجود ندارد، مگر با ایمان به مسیح و لذا نصیحت من این است که خود را وادار کنید تا به عیسای خداوند چنگ بزنید، به او نگاه کنید و منتظر او باشید که هر هدیه نیکو و کاملی را از او دریافت کنید و تا آن جواهر ایمان را به شما نداده است، آرامی نیابید؛ یعنی ایمانی که از آسمان و زمین ارزشمندتر است و شما را در زندگی و مرگ، شادی و در روز مسیح شکوهمند خواهد کرد (اشعیا ۶۴: ۷؛ یعقوب ۱۷: ۱؛ اشعیا ۶۲: ۷).

و به این ترتیب راه حل برای اولین ترفند شیطان، که به موجب آن هزاران نفر را از ایمان به مسیح بازمی‌دارد، بسیار است.

ترفند ۲: به گناهکاران می‌گوید که بی‌لیاقت و بی‌ارزش هستند. آه! شیطان می‌گوید: «همان‌طور که شما سزاوار عظیم‌ترین

بدبختی‌ها هستند، لیاقت کمترین رحمت را هم ندارید. چه! آیا فکر می‌کنید که مسیح هرگز چنین بدبخت بی‌لیاقتی مانند شما را خواهد پذیرفت یا در آغوش خواهد گرفت؟ خیر، هرگز؛ اگر اندکی لیاقت و شایستگی در شما بود، آنگاه ممکن بود از جانب عیسی پذیرفته شوید. شما لایق این نیستید که مسیح را بپذیرید و بی‌لیاقت‌تر از آن هستید که مسیح را در قلب خود جای دهید.»

راه حل ۱

اولین راهکار در برابر این ترفند شیطان این است که به طور جدی درک کنید؛ خدا در هیچ کجای کتاب مقدس، هیچ گونه شایستگی و لیاقت در خلقت را قبل از ایمان به مسیح، مطالبه نکرده است.

اگر تمام کتاب مقدس را جست‌وجو کنید، از سطر اول پیدایش تا آخرین سطر مکاشفه، کلمه‌ای را نخواهید یافت که در مورد الزام خدا به هر گونه شایستگی و لیاقت خلقت، قبل از ایمان آوردن جان‌ها به مسیح صحبت کند؛ جان‌هایی که به خاطر شادی و برکت یافتگی، بر مسیح تکیه می‌کنند و در او آرامی می‌یابند. پس چرا برای ایمان آوردن باید مانعی وجود داشته باشد؛ در حالی که خدا قبل از ایمان به مسیح از شما انتظار ندارد تا لیاقت داشته باشید؟ (متی ۱۱: ۲۸؛ یوحنا ۶: ۲۹). آه، ای گناهکاران! به یاد داشته باشید که شیطان تنها

به این دلیل که می‌خواهد مسیح و روح شما را برای همیشه از هم جدا نگه دارد، به بی‌لیاقتی شما صحنه می‌گذارد و اصرار می‌ورزد؛ در نتیجه در مواجهه با تمام بی‌لیاقتی خود، در مسیح آرامی بیابید، به سمت مسیح بیابید، به مسیح ایمان بیاورید و تا ابد شاد باشید (یوحنا ۶: ۴۰-۴۷).

راه حل ۲

راهکار دوم در برابر این ترفند شیطان این است که حکیمانه ملاحظه کنیم که هیچ کس جز جان‌های نالایق، هرگز پذیرای آغوش مسیح، رحمت و بخشش او نبوده‌اند.

من می‌خواهم از شما بپرسم که متی، زکا، مریم مجدلیه، منسی، پولس و لیدیه قبل از ایمانشان به مسیح چه شایستگی و لیاقتی داشتند؟ قطعاً هیچ! آه، ای گناهکاران! شما باید این‌طور استدلال کنید: «مسیح برگزیده‌ترین رحمت‌ها، بزرگ‌ترین برکات، بالاترین کرامت‌ها و شیرین‌ترین امتیازات را به گناهکاران نالایق عطا کرده است. بنابراین، ای جان من! هوشیار باش، ناامید نشو، بلکه صبورانه و در سکوت منتظر نجات خداوند باش.» چه کسی می‌تواند بگوید که هرچند نالایق هستیم، اما فیض و رحمت رایگان بر ما می‌تابد و بخشی از آن شایستگی را به ما می‌دهد که اکنون در بهشت غالب آمده‌است.

راه حل ۳

سومین راهکار در برابر این ترفند شیطان این است که دریابیم؛ اگر روح بخواهد تا زمانی که شایستگی یابد، از مسیح دوری کند؛ هرگز به مسیح نزدیک نخواهد شد و هرگز مسیح را در آغوش نخواهد گرفت.

او هرگز با مسیح یکی نخواهد شد، بلکه باید در اندوه ابدی باقی بماند (اشعیا ۵۰:۱۱). خدا تمام شایستگی و لیاقت‌ها را در مسیح جمع کرده است تا خلقت بداند که کجا آن را بیابد و سپس آن را دریافت نماید. بر روی زمین هیچ راهی برای لایق ساختن جان‌های بی‌لیاقت وجود ندارد، مگر ایمان به مسیح (یعقوب ۲:۲۳). ایمان به مسیح، شما را از بردگان به فرزندان لایق و از دشمنان خدا به دوستان لایق تبدیل می‌کند. خدا هیچ کس را لایق نمی‌شمرد و هیچ کس را لایق نمی‌خواند و با هیچ کس شایسته رفتار نمی‌کند، مگر ایماندارانی که توسط شایستگی و اعتبار شخصیت، عدالت، خشنودی و شفاعت مسیح، لایق گشته‌اند (ر.ک مکاشفه ۴:۳).

راه حل ۴

راهکار چهارم در برابر این ترفند شیطان، آگاهی از این است که اگر در قلب خود جست‌وجو کنید، خواهید دید که این غرور و حماقت قلبتان است که شما را وادار می‌کند تا برای مسیح لیاقتی عرضه کنید (با شایستگی و لیاقت خود به

حضور مسیح بیایید).

شما قصد دارید چیزی برای مسیح بیاورید تا مورد قبول او واقع شود. بیزارید که با دست خالی به حضور او بروید. آنگاه خداوند فریاد می‌زند: «ای جمیع تشنگان، نزد آنها بیایید و ای شما که نقره‌ای ندارید، بیایید، بخرید و بخورید! بیایید شراب و شیر را بی نقره و بی بها بخرید! چرا نقره را برای آنچه نان نیست خرج می‌کنید، و محنت خویش را برای آنچه سیر نمی‌کند؟ به دقت به من گوش فراداده، چیزهای نیکو بخورید تا جان شما از بهترین خوراک‌ها لذت برد» (اشعیا ۵۵: ۱-۲). در اینجا خداوند از جان‌های بی پول، فقیر و نالایق دعوت می‌کند که بیایند و از نعمت‌های گرانبهای او به رایگان بهره‌مند شوند. اما گناهکاران، مغرور و احمق هستند و هرچند خدا به شیرینی دعوتشان می‌کند؛ اما چون بها و لیاقتی برای آوردن به حضور خدا ندارند، نمی‌آیند.

آه، ای گناهکاران! چه چیزی عادلانه‌تر از این است که برای همیشه هلاک شوید و ته مانده غذای خوک‌ها را بر شیر و شراب و چیزهای شیرین و گرانبهای انجیلی ترجیح دهید که رایگان و با لذت به شما تقدیم می‌شود. خب، ای گناهکاران! این را به خاطر داشته باشید، این احساس بی لیاقتی شما نیست، بلکه غرورتان است که شما را از بستن پیمان مبارک با خداوند عیسی بازمی‌دارد.

ترفند ۳: به گناهکاران تلقین می‌کند که به فلان شرایط یا فلان آمادگی نیاز دارند.

شیطان می‌گوید: «شما برای پذیرایی از مسیح آماده نیستید. به این ترتیب شما فروتن و عادل نیستید. به خاطر گناه دلشکسته نشده‌اید. از هر لحاظی تحت رعب و وحشت نبوده‌اید. شما باید بمانید تا زمانی که آماده و واجد شرایط پذیرش عیسای خداوند شوید.»

راه حل ۱

اولین راهکار در برابر این ترفند شیطان این است که به طور جدی در نظر بگیریم؛ افرادی بودند که طبق گفته شیطان آمادگی و شرایط لازم را نداشتند، ولی دعوت مسیح را پذیرفتند، به مسیح ایمان آوردند و توسط مسیح نجات یافتند.

متی که بر روی صندلی دریافت مالیات نشسته بود، فرا خوانده شد و همراه با دعوت مسیح چنان قدرتی درونش به وجود آمد که او را وادار کرد تا از مسیح پیروی کند (متی ۹:۹). ما جایی نخوانده‌ایم که او پیش از فرا خوانده شدن توسط مسیح، هیچ رعب و وحشتی داشته باشد.

من از شما پرسشی می‌پرسم، قبل از اینکه زکا، پولس، زندانبان فیلیپی و لیدیه به مسیح ایمان بیاورند؛ آنها چه آمادگی و شرایط خاصی داشتند؟ (لوقا ۱۹:۹؛ اعمال ۱۶:۱۴)

و غیره). خدا برخی را با صدای شیرین و آرام انجیل صدا می‌کند و معمولاً کسانی که از این طریق به مسیح ایمان می‌آورند؛ شیرین‌ترین، فروتن‌ترین، برگزیده‌ترین و پرتیترترین مسیحیان هستند.

خدا آزاد است که با شریعت یا انجیل، با لبخند یا اخم، با ارائه جهنم یا بهشت، با گناهکاران برخورد کند. خدا از بالای کوه سینا بر برخی انسان‌ها با صدایی رعدآسا فریاد برمی‌آورد و بر آنها غلبه می‌یابد و با برخی دیگر با صدایی آرام صحبت می‌کند و آنها را در بر می‌گیرد. شمایی که توسط شریعت نزد مسیح آورده شده‌اید، آنانی را که توسط انجیل نزد مسیح آورده شده‌اند، قضاوت و محکوم نکنید و شمایی که توسط انجیل نزد مسیح آورده شده‌اید، کسانی را که توسط شریعت نزد مسیح آورده شده‌اند، تحقیر نکنید. برخی توسط آتش، طوفان و تندباد به مسیح ایمان می‌آورند، برخی دیگر توسط وزش نسیم‌های آسان و ملایم روح. روح در تبدیل و دگرگونی، آزادانه عمل می‌کند و مانند باد، در هر زمان، مکان و به هر حالتی که بخواهد می‌وزد (یوحنا ۳: ۸). جان‌هایی که به نزد مسیح آورده می‌شوند در هر حالتی شادمانند؛ چه در شب زمستان و چه در روز تابستان.

راه حل ۲

دومین راهکار در برابر این ترفند شیطان، توجه جدی به

آیات زیر است. این آیات به وضوح گواه این می‌باشند که گناهکارانی که آمادگی و شرایط ملاقات با مسیح و پذیرش و در آغوش کشیدن خداوند عیسی مسیح را نداشتند؛ با وجود این، ممکن است به مسیح ایمان بیاورند و بر طبق انجیل برای دریافت شادی و برکت به او تکیه کنند.

امثال ۱: ۲۰-۳۳؛ ۸-۱۱: ۱؛ ۹-۱: ۶؛ حزقیال ۱۶: ۱-۱۴؛ یوحنا ۳: ۱۴-۱۸ و ۳۶؛ مکاشفه ۳: ۱۵-۲۰ را بخوانید. در اینجا خداوند، عیسی مسیح بر در لائودیکیه ایستاده است و در می‌زند. او با خوشحالی از آنها می‌خواهد که با او ناهار بخورند و او بتواند با آنها شام بخورد؛ یعنی با یکدیگر ارتباط و مشارکت صمیمی داشته باشند.

اکنون، دعا کنید و به من بگویید که این اهالی لائودیکیه چه آمادگی یا شرایطی برای پذیرایی از مسیح داشتند؟ مطمئناً هیچ چیز؛ چون ولرم بودند، «نه گرم و نه سرد»، آنها «بدبخت، بیچاره، فقیر، نابینا و برهنه» بودند و با این حال اگرچه آنها هیچ چیزی برای پذیرایی از مسیح نداشتند اما او برای نشان دادن فیض رایگان و محبت فروتنانه خود، از بدترین گناهکاران دعوت می‌کند تا در را به روی او باز کنند.

راه حل ۳

سومین راهکار در برابر این ترفند شیطان، آگاهی از این است که در سراسر کتاب مقدس، خداوند هیچ شرط یا آمادگی

قبلی را برای آمدن به سوی مسیح، ایمان آوردن به او، پذیرش دعوتش یا در آغوش گرفتنش ذکر نکرده است. ایمان به مسیح مسئله بسیار مهمی است که خدا در سراسر کتاب مقدس به گناهکاران تاکید می‌کند، همان طور که همهٔ آنانی که کتاب مقدس را خوانده‌اند از این مطلب آگاهی دارند.

استدلال مخالف:

مگر مسیح نمی‌گوید: «بیایید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید؟» (متی ۲۸:۱۱).

به این پرسش سه پاسخ خواهم داد:

۱. گرچه دعوت برای آنانی است که «کار سنگینی می‌کنند و بار زیادی حمل می‌نمایند»، اما اصل وعدهٔ آسایش به «آمدن» و «ایمان آوردن» مربوط می‌شود.

۲. آنچه کتاب مقدس ثابت می‌کند و نشان می‌دهد این است که کسانی که در زیر بار گناه، همانند باری سنگین خم شده‌اند و کسانی که سرشار از احساس گناه و نارضایتی خدا هستند، باید برای آسایش نزد مسیح بیایند، اما این موضوع ثابت نمی‌کند که فقط چنین افرادی باید به سوی مسیح بیایند یا نشان نمی‌دهد که همهٔ انسان‌ها باید قبل از آمدن نزد مسیح، بدین‌گونه بار گناهان و خشم خدا را تحمل کنند.

گناهکاران بیچاره وقتی تحت تاثیر احساس گناه و غضب خدا قرار می‌گیرند، برای یافتن آسایش؛ مستعد فرار از مخلوق به مخلوق، وظیفه به وظیفه و حکم به حکم می‌شوند؛ و اگر آنها می‌توانستند آسایش و آرامش را در هر چیز یا موجودی بیابند، مسیح هرگز نباید از آنها می‌شنید. اما در اینجا خداوند با شیرینی، آنها را دعوت می‌کند و برای تشویق آنها، خود را متعهد می‌سازد تا آنها را آرام کند، مسیح می‌گوید: «بیایید و من به شما آرامش خواهم داد. این طور نیست که فقط به شما آسایش را نشان دهم و فقط از آن صحبت کنم، بلکه آسایش را به شما خواهم داد. من خود وفاداری هستم و نمی‌توانم دروغ بگویم. من به شما آسایش خواهم داد. من برای دادن آسایش به شما بیشترین قدرت، عظیم‌ترین اراده و بزرگ‌ترین حق را دارم؛ پس بیایید ای گناهکاران گرانبار و من به شما آسایش خواهم داد.» آرامش و آسایش مطلوب‌ترین، مناسب‌ترین و بزرگ‌ترین نیکویی برای شما است. مسیح می‌گوید: «بیایید» یعنی "به من ایمان بیاورید" و من به شما آسایش خواهم داد. من توسط خدا به شما آسایش و آرامش وجدان خواهم داد. طوفان شما را به آرامشی ابدی تبدیل خواهم کرد. چنان آرامشی می‌دهم که دنیا نه می‌تواند به شما بدهد و نه می‌تواند از شما بگیرد.»

۳. هیچ متنی در کتاب مقدس کل فکر خدا را بیان نمی‌کند. بنابراین این آیه را با آیاتی که در راه حل دوم این قسمت ذکر

شده است، مقایسه کنید و به وضوح درمی یابید که گرچه انسان‌ها به این ترتیب بار گناهان خود را سنگین می‌کنند و مملو از رعب و وحشت هستند؛ اگر به سمت مسیح بیایند، می‌توانند عیسای مسیح خداوند را پذیرفته و در آغوش بگیرند.

راه حل ۴

راهکار چهارم در برابر این ترفند شیطان این است که دریابیم؛ تمام آن بار گناه، اندوه، شرم و ماتمی که مورد قبول و مایه خشنودی خدا است، از ایمان به مسیح سرچشمه می‌گیرد؛ درست همان طور که نهر از چشمه جاری می‌شود، شاخه از ریشه نشات می‌گیرد و معلول از علت معنا می‌یابد.

«و بر خاندان داوود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و دعا‌های ملتمسانه را خواهم ریخت، و بر من که نیزه‌ام زدند خواهند نگریست، و برای من مانند کسی که به جهت تنها فرزندش به سوگ نشیند، سوگواری خواهند کرد و همچون کسی که به جهت نخست زاده‌اش بگرید، به تلخی خواهند گریست» (زکریا ۱۲: ۱۰). تمام سوگواری‌های انجیل از ایمان سرچشمه می‌گیرد. آنها ابتدا بررسی و سپس عزاداری می‌کنند. همه افرادی که اندکی می‌دانند، این را خوب می‌فهمند که «آنچه از ایمان نباشد؛ گناه است» (رومیان ۱۴: ۲۳). تا زمانی که انسان‌ها به مسیح ایمان نیاورده‌اند، بهترین کارکرد آنها فقط جلال دادن گناهان است.

ترفند ۴: به گناهکاران تلقین می‌کند که مسیح تمایلی برای نجات آنان ندارد.

شیطان می‌گوید: «درست است که مسیح می‌تواند شما را نجات دهد، اما آیا او مایل است؟» یقیناً، اگرچه او قادر است، اما حاضر نیست شمایی را نجات دهد که چنین نگون بختی هستید و خونس را زیر پایتان لگدمال کرده‌اید و در تمام روزهای عمرتان در ضدیت آشکار، علیه او بوده‌اید.

راه حل ۱

اول، سفر عظیمی که او به قصد نجات گناهکاران از آسمان به زمین انجام داد، به شدت تمایل او را برای نجات نشان می‌دهد. «بروید و مفهوم این کلام را درک کنید که "رحمت را می‌پسندم، نه قربانی را." زیرا من نیامده‌ام تا پارسایان بلکه تا گناهکاران را دعوت کنم» (متی ۹: ۱۳)؛ «این سخن درخور اعتماد و پذیرش کامل است که مسیح عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد، که من بزرگترین آنهایم» (اول تیموتائوس ۱: ۱۵).

راه حل ۲

دوم، خالی شدن او از جلالش برای نجات گناهکاران، بیانگر تمایل او برای نجات آنهاست.

او آغوش پدرش را ترک می‌کند، ردای پرجلال خود را از تن به درمی‌آورد، تاج شکوه خود را کنار می‌گذارد و با فرشتگان درخشان حاضر در عرش پادشاهی اش خداحافظی می‌کند؛ و همه اینها را انجام می‌دهد تا گناهکاران را نجات بخشد.

راه حل ۳

سوم، اینکه عیسای مسیح از آن دریای گناه، خشم، مصیبت و خون‌آلود عبور کرد تا گناهکاران بخشیده شوند، عادل شمرده شوند، با خدا آشتی داده شوند و نجات یابند؛ و این، بیانگر تمایل شدید او برای نجات گناهکاران است (دوم قرنتیان ۵: ۱۹-۲۰).

راه حل ۴

چهارم، عیسای مسیح سفیران خود را، دیر یا زود می‌فرستد تا گناهکاران را جذب و از آنها درخواست نماید که با او آشتی کنند و این عمل، آشکارا آمادگی و تمایل او را برای نجات گناهکاران نشان می‌دهد.

راه حل ۵

پنجم، شکایت عیسای مسیح از کسانی که به او ایمان نمی‌آورند، به او پشت می‌کنند و نجات نمی‌یابند، به شدت تمایل او را برای نجات آنها اذعان می‌دارد.

«او به ملک خویش آمد، ولی قوم خودش او را نپذیرفتند» (یوحنا ۱: ۱۱). همچنین یوحنا ۵: ۴۰ می‌گوید: «اما نمی‌خواهید نزد من آیید تا حیات یابید.»

راه حل ۶

ششم، شادی و لذتی که او از تبدیل گناهکاران به دست می‌آورد، نشان‌دهنده تمایل او به نجات آنهاست. «به شما می‌گویم، به همین سان برای یک گناهکار که توبه می‌کند، جشن و سرور عظیمتری در آسمان برپا می‌شود تا برای نود و نه پارسا که توبه ندارند» (لوقا ۱۵: ۷). خدای پدر از بازگشت فرزند گمشده خود خوشحال می‌شود، مسیح از دیدن محنت و مشقت جانس خوشحال می‌شود؛ روح‌القدس خوشحال است که معبد دیگری برای سکونت دارد و فرشتگان از اینکه همراه صمیمی دیگری دارند، خوشحال می‌شوند (اشعیا ۵۳: ۱۱).

ترفند ۵: شیطان یک گناهکار را وادار می‌کند تا به جای تمرکز بر روی وظایف خود، بیشتر به احکام رازآلود خدا توجه کند. شیطان می‌گوید: «چه نیازی دارید که خودتان را مشغول دریافت، در آغوش گرفتن و جشنود ساختن مسیح کنید؟ اگر انتخاب شوید، نجات خواهید یافت؛ اگر انتخاب نشوید، هر کاری هم که انجام دهید، هیچ منفعتی برای شما ندارد.»

او باعث خواهد شد که شخص نه تنها در مورد انتخاب خود دچار شک و تردید شود، بلکه به این نتیجه برسد که انتخاب نشده است؛ «بنابراین، بگذار هرکاری که می‌تواند، انجام دهد؛ چون هرگز نجات نخواهد یافت.»

راه حل ۱

اولین راهکار در برابر این ترفند شیطان، در نظر داشتن این نکته است که نه فرشتگان آسمان، نه انسان‌های روی زمین و نه شیاطین در جهنم قادر نیستند با این مسئله مخالفت کنند که ممکن است شما فردی انتخاب شده و ظرفی برگزیده باشید.

شاید شما مطمئن باشید که خدا هرگز شیطان را یکی از مشاورین محرمانه خود قرار نداده است؛ چرا که خدا هرگز او را با نام‌ها یا اشخاصی که عشق الهی خود را تا ابد به آنها نشان داده، آشنا نکرده است.

راه حل ۲

راهکار دوم در برابر این ترفند شیطان، دخالت در کاری است که وظیفه شماست.

اوامر نهان متعلق به خداوند است، اما اوامر آشکار متعلق به شماست (با تثنیه ۲۹:۲۹ مقایسه کنید). ای گناهکار! کار تو این است که در ایمان آوردن و بازگشت به سوی خداوند

تعجیل کنی، شبیه به مسیح شوی، خود را زیر پایش قرار دهی، در طریق‌های او منتظرش باشی و به او سماجت ورزی تا اینکه بگوید: «ای گناهکار! من سهم تو هستم، من نجات تو هستم و هیچ چیز نمی‌تواند بین من و تو جدایی افکند.»



بیوگرافی مختصر توماس بروکس

اگر خوانندگان ادبیات پیوریتن بخواهند در میان واعظان، سی نفر از «معتبرترین‌ها» را نام ببرند، قطعاً نام توماس بروکس ظاهر می‌شود، گرچه برخی از آنها نیز تمایل دارند او را در میان «سه نفر اول» قرار دهند. نام و آثار او به اندازه‌ای مورد احترام است که جایگاهی ماندگار در قلب مسیحیان آگاه، برای او ایجاد می‌کند و حتی عده‌ای نیز به او جایگاهی برتر در میان برگزیده‌ترین روحانیون قرن هفدهم می‌دهند. شهرت او به عنوان نویسنده «رساله‌هایی برای دل» هرگز خدشه‌دار نشده است. سبک ادبی او همیشه زنده و پویاست. مانند بسیاری از همعصرانش، او نیز موعظه خود را از کتاب مقدس، زندگی روزمره و ادبیات کلاسیک و تاریخ کهن استخراج کرده است.

منابع ترکیبی همیشه جالب و آموزنده است.^۱ بروکس واعظ و نویسنده‌ای است که زندگی نامه‌اش، اگر توسط خودش یا یکی از هم‌عصرانش نوشته می‌شد، چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. متأسفانه موارد بسیار ناچیزی را می‌توان از زندگی نامه او دریافت کرد. الکساندر بی. گروسارت^۲، در خاطرات چاپ شده در بازنشر آثار بروکس توسط نیکل^۳، (۱۸۶۶) زندگی نامه او را در شانزده صفحه نوشت، اما مجبور بود برای اطلاعات دست‌نیافتنی و حقایق اساسی که در هاله‌ای از ابهام بودند، به جست‌وجوی دور و درازی بپردازد. سوابق دانشگاهی و کلیسایی بسیار مختصری را می‌توان با اشاره شخصی خود بروکس گاه‌به‌گاه در نوشته‌هایش تکمیل کرد و گروسارت، با خوشحالی شایانی، آخرین وصیت نامه و عهد پیوریتن ما را کشف و چاپ کرد. سپس رساله‌های مختلف بروکس در اولین نسخه‌های خود باقی مانده و تاریخ‌گذاری شده است. هیچ تصویری از چهره او وجود ندارد. اما از انسانیت و شخصیت قوی او، به آسانی تصویر روشنی در ذهن خواننده شکل می‌گیرد. این نویسنده در نوشته‌هایش زندگی می‌کند. جدا از اینها او تنها سایه‌ای محض است.

او در سال ۱۶۰۸ متولد شد - مکان و شهر تولدش نامشخص

۱. نوشته شده توسط S.M. Houghton

2. Alexander B.Grosart

3. Nichol

است - و در هفتم جولای ۱۶۲۵، سالی که چارلز اول به تخت سلطنت انگلستان و اسکاتلند رسید، در کالج عمانوئیل، کمبریج، در «اقامتگاه پیوریتن‌ها» به عنوان یک «مستمری بگیر» ثبت نام کرد. اصطلاح «مستمری بگیر» نشان دهنده فقر او نیست و دلایلی وجود دارد که معتقدیم این جوان، فرزند والدینی مرفه بوده است. او احتمالاً در کالج عمانوئیل با مردانی مانند جان میلتون^۱ و سه عضو مشهور نیوانگلند^۲، یعنی توماس شپرد^۳، جان کاتن^۴ و توماس هوکر^۵، دست و پنجه نرم می‌کرد. عشق و مهارت او به زبان‌های عبری، یونانی و لاتین، باعث شد که نه با تکرار زیاد، بلکه با علاقه در دوران دانشگاه، پرورش یابد.

پس از سال ۱۶۲۵، دوباره پرده‌ای حائل می‌شود و برای بیش از بیست سال هیچ اطلاعاتی از این نویسنده در دست نداریم؛ فقط می‌دانیم قبل از اینکه دوباره از گمنامی بیرون بیاید، واعظ انجیل شده بود. به نظر می‌رسد لندن حوزه خدمتی او بوده است. تردیدی وجود ندارد که او در طول جنگ پراشوب داخلی (۱۶۴۲-۱۶۴۸)، به شدت با آرمان پارلمانی همراه بود و تقریباً مسلم است که در این دوره به

1. John Milton

۲. نیوانگلند، انگلیس نو؛ بخش شمال خاوری ایالات متحده متشکل از ایالات مین و ورمانت و نیوهمپشایر و ماساچوست و رودآیلند و کنتیکت.

3. Thomas Shepard

4. John Cotton

5. Thomas Hooker

عنوان شبانِ فرماندهان پارلمان، چه در خشکی و چه در دریا عمل می‌کرد. دلایلی وجود دارد که به این نتیجه برسیم؛ او با توماس فرفکس^۱، فرمانده کل نیروهای نظامی پارلمان، رابطه صمیمی داشت.

افق دید او در این سال‌های سرنوشت‌ساز بسیار گسترده شد، زیرا در یکی از رساله‌های خود این نکته را به رخ می‌کشد که در خارج از کشور «در ملل مختلف و کشورهای دیگر» نیز بوده است. همچنین می‌گوید: «من چند سالی در دریا بوده‌ام و به واسطهٔ فیض می‌توانم بگویم که تجربیات دریایی‌ام را با ثروت انگلستان عوض نمی‌کنم»، او می‌افزاید: «من در طوفان‌های وحشتناکی بوده‌ام.»

در پایان جنگ داخلی، پارلمان یا بهتر است بگوییم ارتش جدید پیروز شد - پارلمان و ارتش از هم جدا شدند - و در آن زمان بروکس و اعظ انجیل در کلیسای توماس رسول در لندن بود. او به اندازهٔ کافی به عنوان مرد خدا، برجسته و شاخص بود به طوری که در همان سال (۲۶ دسامبر) در مقابل مجلس^۲ موعظه کرد. پس از آن، موعظهٔ او با عنوان «لذت خدا در جریان راستی» منتشر شد که از زمور ۱۸:۴۴ اقتباس شده است: «دل‌هایمان برنگشته بود، و قدم‌هایمان از راهت کج نشده بود.» موعظهٔ دوم او مقابل پارلمان در روز

1. Thomas Fairfax

2. The Rump of the Long Parliament

شکرگزاری یعنی ۸ اکتبر ۱۶۵۰، به مناسبت پیروزی کرامول^۱ بر اسکاتلندی‌ها که در دانبار^۲ در ۳ سپتامبر صورت گرفته بود، انجام شد. در این مناسبت، به طور قابل توجهی از اشعیا ۱۰:۶ استفاده شده بود که ما از نقل آن خودداری می‌کنیم.

دو سال بعد، بروکس از کلیسای توماس رسول به کلیسای دیگری در لندن، به نام «مارگارت قدیس»^۳ منتقل شد که در آنجا با مخالفت شدید برخی از اعضای کلیسا روبه‌رو شد. معترضان به تصمیم او شکایت داشتند که از ادای مراسم مذهبی برای اشخاصی که به نظرش صلاحیت نداشتند، سر باز زده است. این امر، گواهی ضمنی از قاطعیت وجدان بروکس بود. در روز غم‌انگیز برتولمای قدیس (۱۶۶۲)، او در میان خادمینی یافت شد که از خدمت و فعالیت کلیسایی خود طرد شده و به سمت ناسازگاری و سرکشی رفته بودند. اما لندن را ترک نکرد و به ظاهر موفق شد طبق فرصتی که به او پیشنهاد شده بود، در نزدیکی کلیسای مارگارت قدیس اقامت گزیند و موعظه کند. او از زندان‌هایی یافت و نامش جزو خادمینی بود که در سال (۱۶۶۵) به خاطر طاعون، فرار نکردند و در جایگاه خود ماند تا در آتش سوزی بزرگ سال ۱۶۶۶ و پس از آن، دردمندان را تسلی دهد. رساله‌ای مفصل

۱. Oliver Cromwell: دولتمرد و رهبر انقلابی انگلیسی.

2. Dunbar

3. St Margaret

با عنوان «مرثیه‌های لندن»^۱ (بر اساس اشعیا ۴۲:۲۴-۲۵) در جلد ششم کتاب «آثار بروکس» آمده است. این کتاب دارای ۳۱۲ صفحه است و شاید «برجسته‌ترین عریضهٔ معاصر» این رویداد فاجعه‌بار باشد. در صفحهٔ عناوین آن، با عنوان «گفتمان جدی در مورد دوران اخیر آتشبار که شهر ما (زمانی مشهور بود) را به ویرانه‌ای تبدیل کرد»، توصیف شده است که شامل درس‌های متعددی برای کسانی که خانه‌هایشان از شعله‌های آتش در امان مانده است نیز می‌باشد.

تنها کمی از بیوگرافی او باقی مانده است که اضافه شود. او در سال‌های ۱۶۵۲-۱۶۸۰ مشغول موعظه و نوشتن بود و تعدادی رساله در فواصل زمانی کم منتشر می‌کرد، که اولین نسخه از آنها همین «راهکارهای ارزشمند در برابر ترفندهای شیطان» (۱۶۵۲) بود. در سال ۱۶۷۶ همسرش مارتا^۲ (با نام خانوادگی برگس^۳) درگذشت. بروکس در مورد همسرش، شهادت شیوایی داشت: «او در خلوت با خدا، همیشه بهترین بود. روزی که به خاطر ضعف و ناتوانی بدنی، ناگزیر در بستر خود خوابیده بود، او را قضاوت کردند؛ اما او تمام قلبش را برای ملل دیگر، برای صهیون و برای وابستگی‌های بزرگ روح خود در پیشگاه خدا بیان کرد. ولی لذت‌های الهی که او در خلوت خود با خدا می‌برد، احساس درد را مغلوب می‌ساخت.»

1. London's Lamentations

2. Martha

3. Burgess

ممکن است دریابیم که بسیاری از موفقیت‌های خدمتی بروکس مطمئناً به خاطر حمایت همسرش از او در دعا بوده است. بگذارید زنان پیوریتن به حق واقعی خود برسند. یقیناً «ارزش» برخی از آنها «بالتر از یاقوت» بود. همچنین به نظر می‌رسد هیچ فرزندی از این ازدواج نداشته است.

پس از درگذشت مارتا، توماس تنها سه سال دیگر عمر کرد. در همین سال‌ها، برای دومین بار ازدواج کرد. همسر دوم «عزیز و محترم» او، پیش‌سنس کارت‌رایت^۱ معروف بود که توماس درباره‌ی او می‌گوید: «همه چیز در او خلاصه می‌شود» که بر اساس آن می‌توان دریافت که علی‌رغم جوانی (و شاید به همین دلیل) او جانشین لایق مارتا بود. شش ماه پس از انجام وصیت‌نامه، در مارس ۱۶۸۰، بروکس در خداوندش خوابید؛ «درست مانند خوشه‌های ذرتی که در فصل حصاد چیده می‌شوند.»

آثار بروکس قطعاً خط فکری وی را نشان می‌دهند. او نه تنها در اراده‌ی خدا به نسل خود خدمت کرد، بلکه همه‌ی نسل‌ها از آن زمان شاهد بر دلایلی بوده‌اند که او را خجسته خطاب کنند. نوشته‌های او ایمان بسیاری از پیروان غیر خداوند را تقویت نموده‌اند، چه ایمانداران تاثیرگذار و چه آنان که نقش کمتری در کلیسا دارند. طعم‌دهنده‌ی «نمک» (به معنای رسول) به آنها مزه داده است. جدای از موعظت او،

1. Patience Cartwright

اولین اثر چاپی که اسپرِجن به کلیسا داد، «سنگ‌های صاف گرفته شده از بروکس سالخورده» بود؛ یعنی مجموعه‌ای از نوشته‌های بروکس که نامزدش سوزانا تامپسون^۱ در انتخاب آن مشارکت داشت. به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که قسمتی از ثروت روحانی «میراث پیوریتن‌ها» از این بخش به دست آمده است.

گروسارت، در یک ضمیمه ویرایش شده که مقدمه جلد شش «آثار بروکس» می‌باشد، از کلامی نقل می‌کند که می‌گوید: «نویسنده ما "واعظی بسیار تاثیرگذار و برای بسیاری مفید" بوده است.» او به این کلام غم‌انگیز تمجیدگونه، نظر پرمغز خود را اضافه می‌کند: «کوچک‌ترین رساله او "نان حیات" و زودگذرترین وعظ او یک فنجان پراز "آب حیات" است...» هدف اصلی او این است که قلب‌های مُرده را با حیات انجیلی که خودش زندگی کرده است، گرم کند؛ هدف والایش «نزدیکی» به حقیقت خداست. از این رو، از ابتدا تا به انتهای زندگی خود را در صراحت، ضرورت، اشتیاق، شور و شوق، استناد به کتاب مقدس، دقت، شدت، احساسات و میلش به «مفید» بودن برای انسان‌ها، برای دستیابی به موفقیت مقدس در خدمت به مسیح، در به دست آوردن تاجی پرجلال برای گذاشتن زیر پاهای مسیح، سپری کرد. افراد اندکی که نوشته‌های بروکس را می‌دانند، مایل‌اند با

1. Susannah Thompson

گروسازت مخالفت کنند. نویسنده ما یکی از آن دسته افراد برگزیده‌ای است که ستایش او «در همه کلیساهای قدیسن» یا حداقل در کلیساهایی است که برای امور روحانی جاودانه ارزش قائل هستند. معمولاً از جان میلتون در کتاب «آرثوپاگیتیکا»^۱ نقل می‌شود که: «یک کتاب خوب، جان مایه گرانبهای روح استاد است که با هدف حیات و فراتر از آن، با عطر و روغن، تدهین و حفظ شده است.» پس بهتر است درباره توماس بروکس بگوییم که: «اگرچه او ویژگی‌های یک استاد را نداشت، اما روح استادش را داشت (که ارزش بسیار بیشتری دارد).»

۱. این جزوه بحث برانگیز با عنوان Areopagitica توسط جان میلتون در سال ۱۶۴۴ نوشته شده و مخالف سانسور کتاب‌ها قبل از انتشار آنهاست و اغلب به عنوان اولین درخواست پرشور برای آزادی بیان مطرح می‌شود.

مکاشفہ

اگر از خواندن این کتاب کوچک لذت بردید، شما را تشویق می‌کنیم تا مجموعه کامل پیوریتن‌های جیبی را نیز که در «نشر مکاشفه» ترجمه و منتشر شده تهیه و مطالعه کنید. لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این عناوین و سایر عناوین تهیه‌شده در «نشر مکاشفه»، به وب‌سایت ما مراجعه کنید:

www.mokashefeh.com



کتاب «توبه و ایمان» اثر توماس بروکس (۱۶۰۸-۱۶۸۰) برگرفته از کتاب کلاسیک او "راه‌حل‌های گرانبها در برابر ترفندهای شیطان، آثار توماس بروکس، جلد اول" می‌باشد.

توماس بروکس، تحصیل‌کرده دانشگاه کمبریج در قرن هفدهم، یکی از پیوریتن‌هایی است که با نوشته‌هایش شناخته می‌شود و آثار بروکس بسیار جامع و مهم هستند.

بین پیوریتن‌ها، بروکس بهترین کتاب‌ها را در باب وسوسه و حملات شیطان بر روح مسیحیان، نوشته است. به نظر چارلز اسپرِجن، که به شکل وسیعی نوشته‌های پیوریتن‌ها را خوانده بود، بروکس بهترین قلم را دارد و نوشته‌های او برای مطالعه بسیار مطلوب هستند.



BANNER
of TRUTH

